

گونه‌شناسی فرهنگ سیاسی دانشجویان استان کردستان بر پایه متغیرهای اجتماعی - فرهنگی

یعقوب احمدی، دانشیار، گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه پیام نور، ایران*

حسین محمدزاده، استادیار، گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه پیام نور، ایران

ابوبکر مجیدی، کارشناس ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه پیام نور، ایران

چکیده

فرهنگ سیاسی، نگرش و جهت‌گیری افراد نسبت به سیاست و از جمله عواملی است که بر نقش آن در تحکیم دموکراسی تأکید شده است؛ از این رو، اهمیت فرهنگ سیاسی در جوامع در حال گذار روبه‌روز افزایش می‌یابد و ضرورت مطالعه آن بیشتر می‌شود. پژوهش حاضر درصدد است تا در چارچوب دستگاه مفهومی تسلسل و گانو، جهت‌گیری‌های فرهنگ سیاسی دانشجویان و عوامل مرتبط با آن را مطالعه کند. روش این پژوهش از نوع پیمایشی است که طی آن از ۳۸۰ نفر از دانشجویان دانشگاه‌های استان کردستان مصاحبه گرفته شد. با توجه به ابعاد شناختی (تکثرگرایی سیاسی) و هنجاری (درگیری عملی در سیاست) فرهنگ سیاسی، میانگین جهت‌گیری فرهنگ سیاسی دانشجویان بالا است. یافته‌ها نشان دادند ۳۳/۷۲٪ دانشجویان، فرهنگ سیاسی دمکراتیک، ۲۸٪ فرهنگ سیاسی بی‌تفاوت، ۲۳٪ فرهنگ سیاسی عمل‌گرا و ۱۶٪ فرهنگ سیاسی محدود دارند. همچنین، فرهنگ سیاسی با متغیرهای جامعه‌پذیری سیاسی، ارتباطات خانوادگی، اقتدارگرایی شخصیتی، جهت‌گیری مذهبی، سن، تحصیلات، محل اقامت و قومیت دانشجویان رابطه معناداری دارد. نتایج تحلیل رگرسیون چندمتغیره نیز نشان می‌دهد متغیرهای یادشده، یک‌سوم از تغییرات فرهنگ سیاسی دانشجویان را تبیین می‌کنند.

واژه‌های کلیدی: فرهنگ سیاسی، تکثرگرایی سیاسی، درگیری عملی در سیاست، متغیرهای اجتماعی فرهنگی، دانشجویان

مقدمه و بیان مسأله

در سال‌های اخیر، اهمیت نقش ارزش‌های توده در سیاست و گذار به دموکراسی و جایگاه امر فرهنگی در تبیین مسائل سیاسی با وجود تغییرات گسترده از انتخابات وایمار (اینگلهارت و ولزل، ۱۳۸۹) تا فروپاشی دیوار برلین برجستگی خاصی یافته است. فرهنگ سیاسی یکی از مفاهیم مورد مناقشه در علوم اجتماعی و سیاسی معاصر است. نظریه‌پردازان، تصویر متقاعدکننده‌ای از نقش تعیین‌کننده فرهنگ سیاسی ارائه ندادند و البته هم‌زمان، تحلیل‌گران از کنار گذاشتن این مفهوم در تبیین پیامدهای تجربی نیز ناکام بوده‌اند. فرهنگ سیاسی به بهترین وجه و برحسب چارچوبی درک می‌شود که برای رفتار سیاسی فردی و گروهی فراهم می‌کند. فرهنگ سیاسی شاید با افکار، نگرش‌ها، تصورات و ارزش‌های سیاسی افراد و گروه‌ها و همچنین طیفی از اقدامات پذیرفتنی فهمیده می‌شود که از ذهنیت‌های فوق‌نشت می‌گیرد. فرهنگ سیاسی به‌ندرت عامل تعیین رفتار در موقعیت‌ها یا در پاسخ به موضوعات سیاسی است. در عوض، اثر و نفوذ فرهنگ سیاسی در توانایش برای اعمال محدودیت‌های ثابت بر رفتار سیاسی و تعیین مسیر کنش سیاسی در نظام‌های سیاسی خاص قرار دارد. مفهوم فرهنگ سیاسی از قرن‌ها عمومیت‌یافتن وجوه متفاوت قدرت در موقعیت‌ها و مکان‌های مختلف استخراج شد. «طبایع» افلاطون، «روح قوانین» منتسکیو^۱، «اخلاقیات» ژان ژاک روسو^۲، «معیارهای» دیوید هیوم^۳، «عادات قلبی و درونی» الکس دو توکویل^۴، «وجدان جمعی» امیل دورکیم^۵ و «نظام‌های اقتدار» ماکس وبر^۶، همگی جزء موارد پیشینه تبارشناسانه این مفهوم هستند. فرضیه اصلی رهیافت فرهنگ سیاسی به منتسکیو (۱۷۴۸) و ارسطو باز می‌شود. هر دو آنها بیان

می‌کردند نهادهای یک جامعه، «فضیلت‌های» خاصی را منعکس می‌کنند که در میان شهروندان رایج هستند. توکویل (۱۹۹۴) (۱۸۳۷) در مطالعه‌اش از دموکراسی اولیه آمریکایی به نتیجه مشابهی رسید؛ بدین صورت که کارکرد نهادها در ایالت متحده، «روح مدنی» مردم این کشور را منعکس می‌کند. هرودتس و توسیدوس این عقیده را بسیار قبل‌تر در بحثشان از تفاوت‌های فرهنگی میان مردم ایران و یونان و میان مردم اسپارت و آتن ثابت کردند. آنها بیان کردند فضیلت‌های متفاوتی که این جوامع بر آن تأکید می‌کنند، برای تمایز ویژگی‌های سیاست آنها مهم است؛ بنابراین، این بینش که نظام‌های سیاسی، ارزش‌های رایج مردم آن کشور را منعکس می‌کند، از زمان آغاز تحلیل سیاسی تصدیق شده است.

اگرچه دیرینه‌شناسی مفهومی حکایت از تأکید اندیشمندانی مانند ارسطو و افلاطون بر اهمیت نقش ارزش‌های شهروندان در سیاست دارد، توجهات در دهه‌های اخیر و به‌طور خاص با مطالعه «فرهنگ مدنی» آلموند و وربا بیش از پیش به این سو رهنمون شد. براساس این مطالعات، رفتارها و کنش‌های اجتماعی افراد در بستر فرهنگی جامعه به وقوع می‌پیوندد و هنگامی که این رفتارها به قدرت و سیاست مربوط می‌شود، از فرهنگ سیاسی آن جامعه تأثیر می‌پذیرد و باعث به وجود آمدن رفتارهای سیاسی خاصی برای آن جامعه می‌شود. اصطلاح فرهنگ سیاسی تا قبل از ۱۹۵۶ در چارچوب نظری و تئوریک آن به کار گرفته نشده است؛ اما پس از به‌کارگیری این واژه در مقاله‌ای از آلموند با عنوان «نظام‌های تطبیقی سیاسی» که به‌مثابه ابزاری کاربردی در مقایسه و تطبیق فرهنگ سیاسی کشورها بود، کاربرد فراوانی یافت (Almond & Verba, 1963:396) و مفهومی کلیدی در مقایسه و مطالعات تطبیقی و فرهنگی میان کشورهای جهان شد و نقش برجسته‌ای در تبیین رفتار سیاسی داشت. فرهنگ سیاسی به دنبال روشن‌تر شدن و تنظیم بخش زیادی از دانسته‌ها درباره مفاهیم جاافتاده‌ای مثل ایدئولوژی سیاسی، منش ملی، روانشناسی ملت‌ها و ارزش‌های بنیادین به کار

¹ Baron de Montesquieu

² Jean-Jacques Rousseau

³ David Hume

⁴ Alexis Charles-Henri-Maurice Clérel de Tocqueville

⁵ Émile Durkheim

⁶ Max Weber

تأکید کرده‌اند (سیونگ یو، ۱۳۸۱؛ رزاقی، ۱۳۷۵؛ سریع‌القلم ۱۳۸۹؛ Zonis, 1971) و برخی بدون آنکه درباره میزان دموکراتیک بودن فرهنگ سیاسی در ایران گزاره‌ای بیان کنند مدعی‌اند علل ساختاری برای تبیین دموکراسی در ایران کافی نیست و باید به علل ارادی توجه ویژه‌ای داشت. از این دیدگاه، میزان اراده و انسجام حاملان دموکراسی در استفاده از فرصت‌ها یا میزان آمادگی مخالفان دموکراسی برای پذیرش سازوکارهای دموکراتیک - که هر دو متأثر از فرهنگ سیاسی هستند - نقش تعیین‌کننده‌ای در تحکیم دموکراسی در ایران دارند (جلایی‌پور، ۱۳۸۱: ۳۸۴-۳۴۰؛ جلایی‌پور، ۱۳۸۳: ۹۸).

علاوه بر آن، ایران از جوامع چندفرهنگی است که شکاف‌های مبتنی بر قومیت دارد. اگرچه در تاریخ طولانی ایران زمین، نشانه‌های بسیاری از هم‌زیستی اقوام و مذاهب یافت می‌شود، با تغییر زاویه دید، این تاریخ مملو از کینه‌توزی‌های قومی و تصفیه‌های مذهبی از سلطان محمود با عنوان شیخ‌کشی تا کریم‌خان زند در حمله به کرمان، است (احمدی، ۱۳۹۰: ۲۵۶-۲۲۹)؛ از این رو، تدوام چالش‌ها در روابط قومی در ایران معاصر و فعل و انفعالات سیاسی دهه اخیر در منطقه خاورمیانه و تلاش‌ها در منطقه شمال کردستان برای تشکیل کشوری مستقل و تحولات کردهای سوریه و نیز تحركات احزاب کرد در کشور ترکیه و پیوستگی‌های تاریخی و فرهنگی غرب ایران با مناطق کردنشین کشورهای مجاور، استان کردستان را به واحدی نمونه تبدیل کرده است که برای کنکاش در زمینه‌های تحركات سیاسی و در رأس شناخت فرهنگ سیاسی حاکم بر اندیشه اذهان مردم، با اولویت قراردادن نخبگان فکری استان به‌عنوان پیشگامان تحركات سیاسی اهمیت فراوانی دارد. با توجه به تفصیل فوق، مطالعه حاضر در پی گونه‌شناسی فرهنگ سیاسی دانشجویان (نخبگان فکری - نه الزاماً سیاسی - جامعه) و نحوه تأثیر متغیرهای اجتماعی فرهنگی بر آن در میان دانشجویان است و در واقع به دنبال واکاوی این موضوع است که دانشجویان به عنوان پیشگامان و تا حدودی عاملان تغییرات سیاسی اجتماعی تا چه

گرفته و محصول تاریخی جمعی نظام سیاسی محسوب می‌شود (عیوضی، ۱۳۷۸: ۷). فرهنگ سیاسی، بخشی از کل فرهنگ است که نوع نگاه فرد به سیاست، ساختار سیاسی و میزان نحوه نقش‌آفرینی او در فرایند سیاسی را تعیین می‌کند. در قالب فرهنگ سیاسی است که روند توسعه سیاسی پیش‌بینی می‌شود. فرهنگ سیاسی، مجموعه‌ای از نگرش‌ها، ایستارها و جهت‌گیری‌های یک ملت نسبت به نظام سیاسی، نخبگان و قدرت سیاسی است که از نظر تاریخی و در ارتباط با رویدادهای درون جامعه شکل می‌گیرد و جایگاه نوع رابطه مردم با سیاست را تعیین می‌کند. فرهنگ سیاسی دموکراتیک به دلیل «تأثیرش بر نوع محاسبات و کنش‌های نخبگان» (Weingast, 1997:256)، «کاستن از شدت تعارضات اجتماعی و ایجاد روحیه دموکراتیک» و تأثیراتی که بر عملکرد نهادها برجا می‌گذارد در «کانون توجه تحلیلگران دموکراتیزاسیون بوده است» (فاضلی، کلانتری، ۱۳۹۱: ۱۰۸-۸۴)؛ به‌عنوان مثال، کریستوفر کلاگ و همکاران (۲۰۰۱: ۳۶-۳۷) براساس مطالعه تجربی تأکید می‌کنند «احتمال ظهور دموکراسی در دوره پس از جنگ، به‌شدت متأثر از خصوصیات هر کشور است که منعکس‌کننده میراث نهادی و فرهنگی آن کشور است».

همچنین، فرهنگ سیاسی و تنوعات آن متأثر از عوامل و عناصر بسیاری در جامعه هستند که مجموعه‌ای از عناصر خرد، میانه و کلان، ساختاری، عاملیتی و فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی را در بر می‌گیرد. از این منظر، عموماً عنوان می‌شود گرچه ساختارهای فرهنگی، اجتماعی و حتی سیاسی از فرهنگ سیاسی تأثیر گرفته‌اند، محدودیت و چارچوب خاصی بر فرهنگ سیاسی جوامع مختلف اعمال و ایجاد می‌کنند.

در ایران نیز موضوع فرهنگ سیاسی در سال‌های اخیر شایان توجه متفکران حوزه‌های مختلف علوم اجتماعی قرار گرفته است و تحلیلگران بر نبود فرهنگ سیاسی دموکراتیک به‌عنوان یکی از علل مهم تحکیم‌بخشیدن دموکراسی در ایران تأکید کرده‌اند. برخی بر وجود انگاره‌های غیردموکراتیک (بدبینی سیاسی، بی‌تفاوتی و بی‌اعتمادی) در میان ایرانیان

سنخ‌شناسی‌های رایج از مفهوم فرهنگ‌سیاسی، دسته‌بندی چهارگانه‌ای از انواع فرهنگ سیاسی براساس ابعاد آن ارائه کرده است: بی‌تفاوتی، انقیاد، اصلاحی و انقلابی چهار گونه فرهنگ‌سیاسی هستند که کُردی با محوریت دیدگاه رونالد اینگلهارت^۱ طراحی و تنظیم کرده و فرضیه‌های پژوهش در قالب ارتباط بین عوامل اجتماعی (قومیت، مذهب، تحصیلات، احساس امنیت جامعه‌ای و ...) با فرهنگ‌سیاسی تدوین شده است. برجسته‌ترین گونه فرهنگ‌سیاسی، نوع اصلاحی و سپس انقیاد بوده است. همچنین کُردی بر آن بوده است که میزان تحصیلات، امنیت جامعه‌ای، جنسیت، طبقه اجتماعی، مذهب، سرمایه اجتماعی و میزان استفاده از رسانه‌های جمعی در تبیین تفاوت‌های فرهنگ سیاسی پاسخ‌گویان نقش اساسی داشته‌اند.

«پایداری فرهنگ سیاسی سنتی در برابر توسعه سیاسی در کره و ایران» رساله دکترای دال‌سیونگ‌یو^۲ است. توسعه سیاسی در این پژوهش به معنای دموکراسی به شیوه غربی مدنظر است. به اعتقاد سیونگ‌یو، فرهنگ سیاسی جامعه، بخشی از فرهنگ عمومی است و برخی از رویکردها و گرایش‌های فرهنگ عمومی، شالوده فرهنگ سیاسی و نگرش به مسائل را می‌سازند (سیونگ‌یو، ۱۳۸۱). ماروین زونیس^۳ در کتاب *روانشناسی نخبگان سیاسی ایران* چند ویژگی برای نخبگان سیاسی ایران برمی‌شمرد که این ویژگی‌ها به نوع ساختار سیاسی و دستگاه حکومتی محمدرضا شاه در ارتباط است. در واقع، ساخت قدرت مطلقه شاه، چنین ویژگی‌ها و رفتارهای را در مردم و نخبگان سیاسی ایجاد کرده است؛ به‌عنوان مثال یکی از ویژگی‌ها بی‌اعتمادی است. زونیس امکان‌نداشتن تحرک اجتماعی را با این احساس بدبینی و بی‌اعتمادی در ارتباط می‌داند. در مجموع، زونیس وجود فرهنگ سیاسی تملق، چاپلوسی، دروغ و چندشخصیتی در بین ایرانیان را از حضور ساختار سیاسی و نظام حکومتی ناشی می‌داند که شاه، افکار، تمایلات، سیاست‌ها و منافع او را

اندازه ظرفیت پذیرش ارزش‌های دموکراتیک را دارند. به‌عبارتی، باورها و ارزش‌های سیاسی آنها به کدام جهت تمایل دارد و نیز متغیرهای اجتماعی فرهنگی چه تأثیری بر تنوع فرهنگ سیاسی دانشجویان دارند.

پیشینه تجربی تحقیق

بهمنی طراز و دلاوری (۱۳۹۳)، در پژوهش پیمایشی «طبقه متوسط جدید و فرهنگ مردم‌سالاری در ایران: بررسی موردی شهر همدان» بر مبنای نظریات تسلر، میزان گرایش مردم‌سالارانه در میان اساتید دانشگاه و معلمان دوره متوسطه شهر همدان را بررسی کرده است. بر مبنای نتایج پژوهش، گرایش به ابعاد هنجاری مردم‌سالاری در میان این دو قشر در مجموع، کمی بیش از حد متوسط، در حدود ۶۰٪ و گرایش به ابعاد رفتاری، بسیار کم و در حدود ۲۲٪ است. به این ترتیب، تنها حدود ۳۹٪ از این دو گروه به مجموع ارزش‌های مردم‌سالارانه (اعم از هنجاری و رفتاری) گرایش دارند. خانیکی و سرشار (۱۳۹۱) در پژوهش پیمایشی به بررسی فرهنگ سیاسی دانشجویان دانشگاه کردستان پرداخته‌اند. بر مبنای نتایج پژوهش، دانشجویان، این بازیگران سیاسی، احساس افتخار و غرور پایینی دارند و ارزیابی و قضاوتی منفی از عرصه سیاسی جامعه خود دارند. همچنین با بالارفتن مقطع تحصیلی و افزایش تجربه زیسته دانشجویان، الگوی فرهنگ سیاسی آنان به سوی الگوی مشارکتی سیر می‌کند و جامعه‌پذیری سیاسی دموکراتیک در خانواده، مدرسه و گروه همسالان، فرهنگ سیاسی مشارکتی را تقویت می‌کند. احمدی (۱۳۹۰) در مطالعه رویکردهای قومی و گونه‌شناسی فرهنگ سیاسی شهر سنندج، مبتنی بر مطالعه اینگلهارت و ولزل به این نتیجه رسیده است که فرهنگ سیاسی مستعد دموکراسی در میان مردم ساکن سنندج وجود داشته است. همچنین نتایج نشان از اثر مثبت انتخاب رویکرد متساهلانه قومی در ابعاد سیاسی، فرهنگی و اجتماعی بر نوع دموکراتیک فرهنگ سیاسی داشته است. کُردی (۱۳۹۱) با توجه به

^۱ Inglehart Ronald

^۲ Dal Seung Yu

^۳ Marvin Zonis

در رأس تمام امور قرار می‌دهد؛ در نتیجه، وجود افکار و ذهنیت بی‌اعتمادی و ضدیت با نظام حکومتی در این ساختار، امری طبیعی جلوه می‌کند (زونیس، ۱۳۷۸).

دو پژوهشگر آمریکایی، آلموند و وربا^۱ (1963)، بر مبنای تحلیل شکل‌های مختلف رفتارهای سیاسی به مقایسه پنج کشور ایالات متحده آمریکا، انگلستان، آلمان، ایتالیا و مکزیک پرداختند. کار آنان به نوعی سنخ‌شناسی از فرهنگ‌ها و ساخت‌های سیاسی است. به فرهنگ «ناحیه‌ای» که بر منافع محلی متمرکز است، یک ساخت سیاسی سنتی و غیر متمرکز مربوط می‌شود. فرهنگ «بندگی» که بی‌ارادگی را در افراد حفظ می‌کند، با ساختی مبتنی بر خودکامگی در ارتباط است و سرانجام با فرهنگ «مشارکت» با ساخت مبتنی بر دموکراسی تناسب دارد. هرگونه فرهنگ سیاسی عینی، حالتی آمیخته دارد. این سه نمونه فرهنگ، در همزیستی با یکدیگر به سر می‌برند؛ اما تناسب کم‌وبیش زیاد نمونه فرهنگی غالب و ساخت، طرز کم‌وبیش رضایت‌بخش نظام سیاسی به‌ویژه نهادهای مبتنی بر دموکراسی را نشان می‌دهد. آنها با یک نمونه ۵۰۰۰ نفری نشان دادند توسعه حکومت دموکراتیک پایدار، باثبات و کارآمد به جهت‌گیری‌هایی وابسته است که مردم نسبت به فرایند سیاسی دارند (Almon & Verba, 1963:362). از نظر آنها مؤلفه‌های فرهنگ سیاسی دموکراتیک، زیادبودن میزان آگاهی سیاسی، حس قوی کفایت و صلاحیت مدنی، مهارت فراوان در همکاری مدنی همراه با مشارکت عقلانی در حیات مدنی و سیاسی است (لیپست، ۱۳۸۳: ۱۰۰۵). تسلا^۲ و آلتینگلو^۳ در پژوهش پیمایشی، فرهنگ سیاسی کشور ترکیه و جهت‌گیری‌های شهروندان به دموکراسی، نظامی‌گرایی و اسلام را سنجش و بررسی کردند. آنها رابطه بین پایگاه شخصی و جهت‌گیری‌های مذهبی با دموکراسی (در ابعاد احترام قائل شدن برای رقابت و تساهل) را بررسی کرده‌اند. یافته‌ها نشان دادند جهت‌گیری‌های سیاسی شهروندان ترکیه متأثر از جنسیت، سن، پایگاه اجتماعی و منفعت شخصی است.

مبانی نظری پژوهش

با توجه به پیچیدگی و چندبعدی بودن مقوله دموکراسی، دیدگاه‌ها و نظریه‌های متفاوتی درباره پیدایش، تکامل، توسعه و نهادینه شدن دموکراسی مطرح شده‌اند و هریک از این

(Tessler and Altinoglu, 1997:2-51). لیپست (1959) در مطالعه معروف و اثر خود به نام «دموکراسی و اقتدارگرایی طبقه کارگر» بر نقش عوامل ساختاری بر اقتدارگرایی تأکید کرد. لیپست اقتدارگرایی را در سطح نگرشی درخور توجه قرار داد و پایگاه اجتماعی اقتصادی را کلیدی‌ترین متغیر اثرگذار بر اقتدارگرایی معرفی کرد. از نظر لیپست و همکاران (۱۳۸۳)، افراد متعلق به طبقه کارگر در نگرش‌های اجتماعی خود، اقتدارگراتر از افراد متعلق به پایگاه‌های بالاتر هستند. علت این مسئله از نگاه او تحصیلات پایین، مشارکت پایین در نهادهای سیاسی و اجتماعی، مطالعه اندک، مشاغل سطح پایین و حاشیه‌ای، ناامنی اقتصادی و الگوی خانوادگی اقتدارگرایانه است (Lipset, 1994:489). هندرسون^۴ (2007) با تأکید بر اهمیت مرزهای ایالتی و قومی بر فرهنگ سیاسی، به گونه‌شناسی فرهنگ سیاسی و نوع وابستگی قومی - ایالتی در کانادا پرداخته است. به گمان او، مرزهای محلی درون جوامع، بهتر از بافت کلی جامعه، باورهای سیاسی افراد را تبیین می‌کنند. کریستوفر کلاگ و همکاران (۲۰۰۱: ۳۶-۳۷) بر اساس مطالعه تجربی شان تأکید می‌کنند «احتمال ظهور دموکراسی در دوره پس از جنگ، به شدت از خصوصیات هر کشور متأثر است که منعکس‌کننده میراث نهادی و فرهنگی آن کشورند». تأثیر استعمار بریتانیا و میزان نسبتاً پایین فروپاشی یا تجزیه قومی، موجباتی برای دموکراسی بوده‌اند؛ درحالی‌که میراث اسلامی اثر منفی بر احتمال ایجاد دموکراسی داشته است. گوران هایدن^۵ (2002) به تکررگرایی فرهنگی توجه می‌کند. او تأکید می‌کند در آفریقا قومیت، بسیار بیشتر از سایر نقاط جهان با دموکراسی سازگار بوده است.

¹ Almond & Verba

² Tessler

³ Altinoglu

⁴ Henderson

⁵ Hyden

نظریه‌ها در چارچوب حوزه مطالعاتی خود، تبیین‌های متفاوتی نیز ارائه کرده‌اند. گونه‌هایی از رویکردها در حوزه جامعه‌شناسی سیاسی، تبیین تحول و توسعه دموکراتیک را از دو چشم‌انداز «ساختاری» و «فرهنگی» مدنظر قرار داده‌اند. در رویکرد ساختاری، پدیده دموکراسی به لحاظ ماهیت ساختارهای سیاسی، توسعه اقتصادی و نهادها و قوانین دموکراتیک نگریسته شده است. در واقع، وجود پارلمان، قوانین دموکراتیک، سطح اقتصادی توسعه‌یافته، ساختارهای تفکیک‌شده و تخصصی و غیره پیش‌شرط‌هایی قلمداد می‌شوند که برای شکل‌گیری و نهادینه‌شدن دموکراسی ضرورت دارند. در مقابل، چشم‌انداز فرهنگی استدلال می‌کند دموکراسی و نهادهای دموکراتیک، مستلزم ارزش‌ها و باورها و به‌طور کلی بسترهای فرهنگی دموکراتیک است و تا زمانی که زمینه و شرایط فرهنگی جامعه پتانسیل تغییر و تحول دموکراتیک را نداشته باشد، شکل‌گیری، تداوم، ثبات و کارایی دموکراسی امکان‌پذیر نخواهد بود. در این چارچوب، فرهنگ به‌مثابه سرشت توسعه سیاسی، علت ثبات و یا بی‌ثباتی نظام سیاسی دموکراتیک و کارایی سیاسی آن در نظر گرفته می‌شود؛ بنابراین در رهیافت ساختاری، توسعه ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و در رهیافت فرهنگی، توسعه فرهنگ سیاسی، ملاک و معیار تحلیل است.

فرضیه اصلی رهیافت فرهنگ سیاسی به منتسکیو و ارسطو برمی‌گردد. هر دو آنها عنوان می‌کردند نهادهای هر جامعه «فضیلت‌های» خاص رایج در میان شهروندان را منعکس می‌کنند. آلموند و وربا^۱ نخستین پیمایش تجربی تطبیقی درباره ارتباط نگرش‌های توده با تثبیت و عملکرد دموکراسی را آغاز کردند. آنها نتیجه گرفتند ترکیب مناسب میان «جهت‌گیری‌های ذهنی» و «جهت‌گیری‌های مشارکتی» منشأ «فرهنگ مدنی» است که به شکوفایی دموکراسی‌ها کمک می‌کند. مطالعات تجربی تطبیقی بعدی بر اهمیت نگرش‌ها و ارزش‌های سطح فردی در نگهداشت نهادهای دموکراتیک در سطح نظام تأکید

کردند (Diamond, 2003:28). لاری دیاموند در کتابش با عنوان «دموکراسی در حال توسعه: به سوی تحکیم عنوان می‌کند که «دموکراسی می‌باید پدیده تکاملی لحاظ شود؛ زیرا نه در این زمان و نه در هیچ دوره‌ای، دموکراسی کاملاً شکل نگرفته است که در آن همه شهروندان تقریباً منابع سیاسی یکسانی داشته باشند و حاکمیت، به‌طور کامل یا تقریباً کامل، نماینده همه شهروندان باشد» (Diamond, 1999:18). دیاموند فرآیندهای تحکیم دموکراتیک را در کشورهای آزمون کرد که پس از «موج سوم» دموکراتیزاسیون جهانی بالاتر از آستانه دموکراسی انتخاباتی قرار داشتند. توجه او بر عوامل فرهنگی و سیاسی و جامعه مدنی متمرکز بود. دیاموند بر این باور است که دورنماهای موج چهارم دموکراتیزاسیون مبهم و تیره‌وتارند؛ زیرا تقریباً همه کشورهایی که شرایط فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی مناسبی برای دموکراتیک‌شدن داشته‌اند، پیشتر دموکراتیک شده‌اند. هانتینگتون عامل ناکامی دموکراسی در جوامع مسلمان را فرهنگ می‌داند. او می‌گوید منبع این ناکامی، دست‌کم در بخشی از طبیعت نامساعد اجتماع و فرهنگ اسلامی نسبت به مفاهیم لیبرال غرب نهفته است (Huntington, 1996:114). دانیل الازار^۲، در کتاب *فدرالیسم آمریکا: نمایی از ایالت‌ها*، به بررسی فرهنگ سیاسی در ایالت‌های مختلف آمریکا پرداخته است. از دید الازار، فرهنگ سیاسی الگوی ویژه‌ای از جهت‌گیری به کنش سیاسی است که در هر نظام سیاسی نهادینه شده است (Elazar, 1966:34). الازار جهت‌گیری افراد به نظام سیاسی، چگونگی عملکرد دولت و مقامات حکومتی و ارزش‌های مذهبی و قومی را در شکل‌گیری فرهنگ سیاسی مؤثر می‌داند. در گونه‌شناسی الازار، فرهنگ سیاسی به سه دسته اصلی اخلاق‌گرایی، فردگرایی و سنت‌گرایی تقسیم می‌شود (Zoellick, 2000:34).

رونالد اینگلهارت^۳ از جمله اندیشمندانی است که در چارچوب رهیافت توسعه انسانی به فرهنگ سیاسی نگریسته

² Elazar

³ Inglehart

¹ Almond & Verba

ویژگی‌های استقلال و خودمختاری فردی تأکید کرده‌اند و رویکرد متساهلانه‌ای در برخورد با «غیر» دارند (اینگلهارت و ولزل، ۱۳۸۹: ۱۳۲).

مارک تسلر از جمله متفکران حوزه نوسازی است که با جمع‌بندی نظریات و مطالعات پیشین و با تأسی از نظریات آلموند و وربا و اینگلهارت فرهنگ سیاسی، جنبه‌های شناختی و رفتاری شهروندان و مردمان عادی را شامل می‌شود. به باور او، جنبه شناختی فرهنگ سیاسی، دو متغیر «اعتقاد به برابری جنسیتی» و «تساهل یا مدارای سیاسی» را شامل می‌شود. جنبه رفتاری فرهنگ سیاسی نیز متغیرهای «اعتماد سیاسی»، «مشارکت مدنی»، «علاقه سیاسی» و «دانش سیاسی» را شامل می‌شود. او متغیرهای شناختی را با عنوان «تکثرگرایی سیاسی» و متغیرهای رفتاری را با عنوان «درگیری عملی در سیاست» مقوله‌بندی می‌کند (Tessler, 2011:270). تسلر، با لحاظ کردن معیارهای شناختی و رفتاری شهروندان عادی و با توجه به عناصر مدارای سیاسی، حمایت از برابری جنسیتی، علائق سیاسی، دانش سیاسی، مشارکت مدنی و اعتماد بین‌فردی، فرهنگ سیاسی در جوامع اسلامی را به چهار نوع تقسیم می‌کند: ۱- فرهنگ سیاسی دموکراتیک: در این نوع از فرهنگ سیاسی، افراد عقاید سیاسی متنوع را تحمل می‌کنند، از برابری جنسیتی، حمایت و نسبت به سیاست علاقه و شناخت دارند، در زندگی مدنی و جمعی مشارکت می‌کنند و به شهروندان اعتماد دارند؛ ۲- فرهنگ سیاسی بی‌تفاوت: در این نوع از فرهنگ سیاسی، افراد عقاید سیاسی متنوع را تحمل و از برابری جنسیتی حمایت می‌کنند؛ اما نسبت به سیاست علاقه و شناخت ندارند. در زندگی مدنی و جمعی مشارکت نمی‌کنند و به شهروندان اعتماد ندارند. این افراد به امور سیاسی یا رفتار دیگران اهمیتی نمی‌دهند؛ ۳- فرهنگ سیاسی عملگرا: در این نوع از فرهنگ سیاسی، افراد عقاید سیاسی متنوع را تحمل نمی‌کنند و از برابری جنسیتی حمایت نمی‌کنند؛ اما نسبت به سیاست، علاقه‌مند و از دانش کافی نسبت به سیاست برخوردارند و در زندگی مدنی و جمعی مشارکت می‌کنند و

و مطالعات متعدد را در این باره انجام داده است. رونالد اینگلهارت عنوان می‌کند فرهنگ نسبت به ادبیات دو دهه گذشته نقش بسیار حیاتی‌تری در دموکراسی دارد. براساس بحث او «به نظر می‌رسد توسعه اقتصادی تغییرات تدریجی فرهنگی را موجب می‌شود که توده مردم را احتمالاً به‌طور فزاینده‌ای خواهان نهادهای دموکراتیک می‌کند و آنها از دموکراسی در جایی حمایت بیشتری خواهند کرد که وجود دارد» (Inglehart, 2000:6-95). پژوهش اینگلهارت و ولزل^۱ شکل دگرگون‌شده‌ای از نظریه نوسازی است که رشد انتخاب انسانی را موضوع زیربنایی توسعه اجتماعی اقتصادی، رشد ارزش‌های ابراز وجود و تقویت نهادهای دموکراتیک ملاحظه می‌کند. آنها تأکید می‌کنند «ما با سن^۲ (1999) و آناند^۳ و سن (2000) موافقیم که تأکید کردند گسترش انتخاب انسانی، ذات توسعه اجتماعی است؛ اما مفهوم سن از توسعه انسانی را به حیطه فرهنگ گسترش دادیم که پیوستگی ضروری میان توسعه اقتصادی و آزادی دموکراتیک ایجاد می‌کند» (اینگلهارت، ولزل، ۱۳۸۹: ۳۷۷). اینگلهارت و ولزل با بررسی تأثیر توسعه اجتماعی اقتصادی بر رشد ارزش‌های ابراز وجود بیان می‌کنند سنت‌های فرهنگی به‌طور چشمگیری پایدار بوده‌اند و رفتار اقتصادی و سیاسی امروز جوامع را شکل می‌دهند و از سوی دیگر، ظهور جامعه صنعتی با تغییر فرهنگی یکسان در نظام ارزش‌های سنتی مرتبط است (اینگلهارت، ولزل، ۱۳۸۹: ۴۴). آنها برآنند نوع فرهنگ سیاسی مناسب دموکراسی، خواه رسمی یا کارآمد، در بردارنده مقوله‌های سندروم انسانی یا ارزش‌های ابراز وجود یا به عبارت دیگر، رهانیده است. مقوله‌های شاخص ارزش‌های ابراز وجود، ارزش‌های فرامادی‌گرایی، برابری جنسیتی، شاخص استقلال و تساهل نسبت به دیگران را شامل می‌شوند. بر این اساس، افراد دارای نوع دموکراتیک فرهنگ سیاسی از ارزش‌های فرامادی برخوردار بوده و نگرش مثبتی نسبت به برابری جنسیتی داشته‌اند؛ همچنین بر

¹ Wlzel christian

² Sen Amartya

³ Anand Sudhir

به شهروندان اعتماد دارند. این افراد خود را با زندگی سیاسی و اجتماعی وفق می‌دهند؛ اما با افکار آلترناتیو، مزیت‌ها و سبک زندگی آنان میانه خوبی ندارند؛ ۴- فرهنگ سیاسی محدود: در این نوع از فرهنگ سیاسی، افراد عقاید سیاسی متنوع و مخالف را تحمل نمی‌کنند، از برابری جنسیتی حمایت نمی‌کنند، شناخت و علاقه‌ای نسبت به سیاست ندارند، در زندگی مدنی و جمعی مشارکت نمی‌کنند و به شهروندان اعتماد ندارند (Tessler & Gao, 197-207).

علاوه بر آن، بسیاری از متفکران با توجه به اهمیت فرهنگ سیاسی به‌عنوان مقوله‌ای مهم در فرایند تغییرات سیاسی نظام‌ها، بر عناصر و مؤلفه‌های مؤثر بر تنوع و تکثر فرهنگ سیاسی توجه کرده‌اند. در این راستا، لیپست در پاسخ به علت و منشأ دموکراسی بودن نوسازی عنوان کرد نوسازی منشأ دموکراسی است؛ از آن‌رو که نوسازی به ایجاد باورها و ارزش‌هایی گرایش دارد که مناسب دموکراسی‌اند (ونهانن، ۱۳۹۵: ۴۲)؛ بنابراین، لیپست دریافت شرایط اجتماعی عینی بر تغییرات سیاسی مانند دموکراتیک شدن اثر می‌گذارند و این اثرات را با گرایش به ایجاد نگرش‌های ذهنی برجای می‌گذارند که درصدد ایجاد این تغییرات سیاسی هستند. دانیل لرنر^۱ (۱۳۸۳) در کتاب *گذار جامعه سنتی، مدرن‌شدن خاورمیانه* بحث مشابهی درباره اثرات نوسازی بر توسعه سیاسی ارائه کرده است. بر اساس نظریه او، فرآیندهای نوسازی در کشورهای مختلف الگوی مشابهی را دنبال می‌کنند. این الگو از شهرنشینی، آغاز و با افزایش باسوادی و رشد مشارکت دنبال می‌شود. رابرت دال عنوان می‌کند پولی‌ارشی^۲ که در نظر او نوعی نظام متکثر و پویای مدرن است دارای خصوصیتی مانند سطح نسبتاً زیاد درآمد و ثروت سرانه، رشد درآمد سرانه جاری، سطح زیاد شهرنشینی، تنوع شغلی زیاد، باسوادی گسترده، تعداد زیاد دانشجویان و ... مرتبط است (Dahl, 1998:251). بر این اساس، رابرت دال به

نوعی درصدد برقراری پیوند میان مؤلفه‌های اجتماعی و اقتصادی و دموکراسی و تأکید بر توسعه انسانی برای شروع این فرایند، به‌ویژه در راستای تغییر ارزش‌های تسهیل‌کننده دموکراسی برآمده است. ماکس هورکهایمر معتقد است از میان تمام نهادهای اجتماعی که فرد را برای قبول اقتدار (حکومتی) آماده می‌کند، در مقام اول، خانواده قرار دارد. افراد از طریق خانواده، قابلیت قبول رفتارهای اقتداری را کسب می‌کنند. از طرف دیگر، او معتقد است خانواده گذشته از آنکه روابط اقتداری را به افراد می‌آموزد، تنها مکانی است که افراد مشکلات خود را به راحتی بیان می‌کنند و «نه به‌عنوان کارکرد، بلکه به‌عنوان انسان موثرند» (هورکهایمر، ۱۳۸۳: ۴۵). هورکهایمر به‌خصوص بر تأثیر روابط اقتداری درون خانواده بر ایجاد شخصیت آینده کودکان تأکید داشت. کودک از طریق خانواده، اطاعت و سر فرود آوردن در برابر اقتدار را فرا می‌گیرد (هورکهایمر، ۱۹۷۷: ۸۹-۹۰، به نقل از اعزازی، ۱۳۸۶: ۸۷-۹۲). تحلیل روبرت پاتنام از سنت‌های مدنی در ایتالیا در سال ۱۹۹۳ یکی از دقیق‌ترین پژوهش‌ها درباره ارتباط فرهنگ سیاسی و دموکراسی است. پاتنام و همکارانش با سنجش دقیق عملکرد دموکراسی در بیست منطقه شمال و جنوب ایتالیا و سپس با آزمودن همبستگی‌های آماری میان عواملی از قبیل سطح درآمد، میزان صنعتی شدن، میزان شهرنشینی، مقدار منابع موجود و نظایر اینها در این دو منطقه، متوجه شدند مهم‌ترین متغیر برای تبیین موفقیت‌های دموکراتیک، میزان توسعه جامعه مدنی است (لیپست، ۱۳۸۳: ۱۰۶). همچنین پاتنام، دسته‌بندی از نگرش‌ها و رفتارهای مدنی شهروندان مطرح کرده است؛ به این ترتیب که آنها را در چهار مقوله طبقه‌بندی می‌کند: مشارکت مدنی؛ برابری سیاسی؛ همبستگی، اعتماد، تساهل، انجمن‌ها؛ ساختارهای اجتماعی همکاری یا تمایل به تشکیل انجمن‌ها و سازمان‌های مدنی و سیاسی (پاتنام، ۱۳۸۰: ۱۵۷-۱۵۹).

مروری بر ادبیات نظری و تجربی مرتبط با فرهنگ سیاسی نشان می‌دهد عوامل مرتبط با فرهنگ سیاسی متعدّدند و هریک از اندیشمندان یک یا مجموعه‌ای از عوامل را در

¹ Lerner

² Poly archy

به نظر می‌رسد بین جامعه‌پذیری سیاسی و فرهنگ سیاسی دانشجویان رابطه معناداری وجود دارد.

به نظر می‌رسد بین پایگاه اجتماعی اقتصادی و فرهنگ سیاسی دانشجویان رابطه معناداری وجود دارد.

به نظر می‌رسد بین اقتدارگرایی شخصیتی و فرهنگ سیاسی دانشجویان رابطه معناداری وجود دارد.

به نظر می‌رسد بین ارتباطات خانوادگی و فرهنگ سیاسی دانشجویان رابطه معناداری وجود دارد.

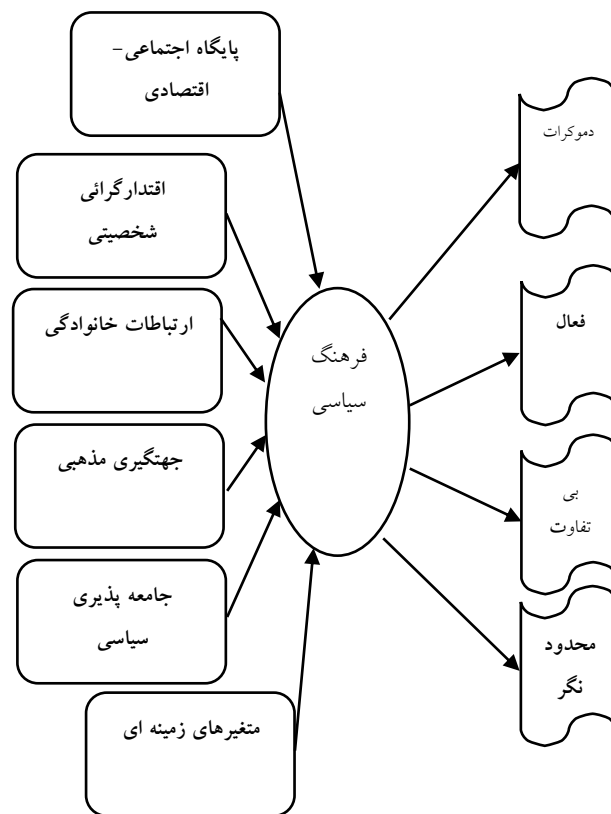
به نظر می‌رسد بین جهت‌گیری مذهب و فرهنگ سیاسی دانشجویان رابطه معناداری وجود دارد.

به نظر می‌رسد بین متغیرهای زمینه‌ای و فرهنگ سیاسی دانشجویان رابطه معناداری وجود دارد.

تعریف مفاهیم

مفهوم «فرهنگ سیاسی» در برگرفته جهت‌گیری‌ها، ارزیابی‌ها و ایستارهای افراد نسبت به نظام سیاسی و بخش‌های مختلف آن و نیز جهت‌گیری نسبت به گرایش‌ها و طرز تلقی‌ها به نقش خود در سیاست است (Almond & Verban, 1963:13). پژوهشگرانی که به بررسی این مفهوم پرداخته‌اند تیپولوژی‌های گوناگونی از فرهنگ سیاسی جامعه‌های مطالعه‌شده به دست داده‌اند؛ از جمله: فرهنگ سیاسی مشارکتی، تابع و محدود (آلموند و وربا)؛ مدنی، غیردینی، ایدئولوژیک، همگن، چندپاره (والتر روزنبا^۱)؛ تابعیت/ آمریت (حسین بشیریه)؛ عشیره‌ای (محمود سریع‌القلم)، فردگرا، اخلاق‌گرا، سنتی (دانیل الازار)؛ اسلام‌گرا، آزادی‌خواه و جامعه‌گرا (سمیح فارسون^۲ و مهرداد مشایخی) و دیگر پژوهندگان نیز متناسب با مسئله و موضوع مورد مطالعه‌شان گونه‌های مختلفی ارائه داده‌اند؛ اما در پژوهش حاضر، بررسی فرهنگ سیاسی در چهارچوب گونه‌های فرهنگ سیاسی مطالعه‌شده مارک تسلر و النور گائو^۳ (دموکرات، بی تفاوت، فعال، محدودنگر) طرح شده است که برای سنجش

تکوین فرهنگ سیاسی مؤثر می‌دانند. در این مطالعه، در گام نخست از پژوهش اینگلهارت و ولزل (ارزش‌های ابراز وجود در مقابل ارزش‌های سنتی سکولار) و مارک تسلر (گونه‌شناسی دموکراتیک، بی تفاوت، فعال و محدودنگر) برای سنجش و تحلیل و همچنین گونه‌شناسی فرهنگ سیاسی دانشجویان استفاده خواهد شد. در گام بعد، با توجه به نظریه‌های اینگلهارت و همکاران (پیوند مؤلفه‌های اجتماعی اقتصادی با فرهنگ سیاسی)، پاتنام (اثر سرمایه اجتماعی بر ساخت سیاسی)، دانیل الازار (اهمیت مقوله‌های اجتماعی برای فرهنگ سیاسی)، ماکس هورکهایمر (اثر خانواده بر تنوعات فرهنگ سیاسی) و لیپست و بخش عمده‌ای از نظریه‌پردازان حوزه نوسازی اولیه (اثر عوامل اقتصادی بر فرهنگ سیاسی) چارچوب نظری مطالعه برای بررسی مؤلفه‌های اثرگذار بر فرهنگ سیاسی مدون شد.



نمودار ۱- الگوی تحلیلی عوامل مرتبط با فرهنگ سیاسی

فرضیه‌های پژوهش

¹ Rosenban

² Farson

³ Gaeo

حاضر با تأسی پیتزینگ، مدارای سیاسی در ابعاد سیاسی، رفتاری و هویتی و در قالب ۸ گویه در سطح ترتیبی، عملیاتی و سنجش شده است.

اعتماد بین فردی: آنتونی گیدنز در تعریف اعتماد به فرهنگ آکسفورد استناد می‌کند و اعتماد را اطمینان یا اتکا و به نوعی کیفیت یا صفت و یا اطمینان به حقیقت عبارت یا گفته‌ای توصیف می‌کند. به اعتقاد او، اعتماد نوع خاصی از اطمینان است و چیزی یکسره متفاوت از آن نیست (گیدنز، ۱۳۸۴: ۳۷). اعتماد اطمینان به اعتمادپذیری شخص یا نظام، با توجه به رشته پیامدها یا رویدادهای معین است (گیدنز، ۱۳۸۰: ۴۲). در این پژوهش، اعتماد در ابعاد تعمیم‌یافته در قالب گویه‌های درستکارنبودن مردم در کسب‌وکار، با اعتماد دانستن آحاد جامعه، اعتماد به غریبه‌ها و اعتماد به قول و قرارهای افراد جامعه، در قالب ۴ گویه و در سطح ترتیبی، مفهوم‌سازی و عملیاتی شده است.

مشارکت مدنی: واژه «مشارکت» به معنای شراکت و همکاری در کار، امر یا فعالیتی و حضور در جمع، گروه و سازمانی برای بحث و تصمیم‌گیری، چه به صورت فعال و چه به صورت غیرفعال است. جوهر اصلی مشارکت را باید در فرایند درگیری، فعالیت و تأثیرپذیری دانست (علوی‌تبار، ۱۳۷۹: ۱۵). مشارکت به معنی در چیزی سهمی یافتن و از آن سود بردن و یا در گروهی شرکت‌جستن و در نتیجه، با آن همکاری داشتن است (بیرو^۲، ۱۳۷۰: ، به نقل از پناهی، ۱۳۸۶: ۲۵۷). در این پژوهش برای سنجش مشارکت مدنی از ۵ گویه در سطح ترتیبی و در مقوله‌های عضویت، انجام فعالیت و کمک مالی در انجمن‌ها، نهادهای مدنی فعال، فراخوان‌های عمومی و NGOهای محیط‌زیست در سطح شهر سنندج و محیط دانشگاه بهره گرفته شده است.

علاقه سیاسی: علاقه سیاسی میزان گرایش و تمایل افراد به شرکت در مباحث و امور سیاسی است. افرادی که به سیاست علاقه‌مند هستند، بیشتر دنباله‌رو امور سیاسی و

متغیرهای فوق از شش جهت‌گیری هنجاری و ارزشی ساخته‌شده آنها استفاده خواهد شد: ۱- حمایت از برابری جنسی؛ ۲- مدارا؛ ۳- اعتماد؛ ۴- مشارکت مدنی؛ ۵- علاقه سیاسی و ۶- دانش سیاسی.

برابری جنسیتی: میزان باور افراد به اینکه جنسیت تأثیری در میزان برخورداری از حقوق و امتیازات سیاسی ندارد (Tessler, 2011:198). برابری جنسیتی یعنی زن و مرد حقوق و وظایف یکسان دارند و از فرصت‌های مساوی با مردان در جامعه برخوردارند؛ همچنین برابری جنسیتی مربوط به عدالت و تقسیم مسئولیت‌هاست. در پژوهش حاضر، این متغیر در قالب ۶ گویه در ابعاد برابری فرصت‌های آموزشی، ورزشی، سیاسی، حقوقی و اشتغال و در سطح ترتیبی عملیاتی و سنجش شده است.

تساهل: در فرهنگ آکسفورد به معنای اجازه‌دادن به وقوع یا ادامه چیزی اخذ شده است که شخص آن را نمی‌پسندد و با آن موافق نیست. (Oxford Dictionary of English, 1998:99)؛ از این رو، برخی معتقدند نزدیک‌ترین معادل معنایی «Tolerance» حلم است؛ زیرا حلم یعنی تحمل امور ناگوار در عین قدرت و قوت. به بیان ساده‌تر، تساهل به معنی برتافتن (تحمل) هر آن چیزی است که از نظر عقاید، رفتار، اخلاق یا دیگر ملاحظات ناپذیرفتنی می‌نماید (عبادیان، ۱۳۷۹). پیتزینگ^۱ (1976) تساهل را برحسب موضوع، به سه دسته هویتی، سیاسی و رفتاری تقسیم کرده است. مدارای هویتی یعنی اعمال مدارا نسبت به ویژگی‌هایی که اختیاری نیستند و مدارا نسبت به هویت‌های مختلف از قبیل ادیان مختلف، ملیت‌های گوناگون و قومیت‌های متمایز را شامل می‌شود. مدارای سیاسی که به قبول حق برای گروه‌هایی ناظر است که تأییدشده فرد نیستند و مدارای رفتاری که ناظر به سه نوع مدارا است: مدارا در الگوهای روابط جنسیتی، مدارا نسبت به جرم و مدارا نسبت به مجرمان (سراج‌زاده و همکاران، ۱۳۸۳: بشیریه، ۱۳۸۳، به نقل از گلابی، رضایی، ۶۱: ۱۳۹۲-۸۶). در پژوهش

² Alain Birou

¹ King

دارد، عرصه‌های مشترکی برای تجلی دین‌داری وجود دارند. این عرصه‌ها عبارتند از: بُعد مناسکی (از قبیل نماز، روزه، دعا و نیایش، رعایت اخلاق اسلامی و شرکت در مراسم مذهبی)، بُعد منطقی و عقلی (دانش مذهبی)، بُعد تجربی (میزان احساس نزدیکی به خدا، باور به تعلق کائنات و هستی به خدا، احترام به اماکن مذهبی و متبرکه، احساس ندامت از ارتکاب گناه)، بُعد ایدئولوژیک (اعتقاد به زندگی پس از مرگ، به وجود خدا، به وجود شیطان و به وجود بهشت و جهنم) و بُعد پیامدی (فائل شدن نقش اجتماعی دین، معیار بودن احکام دینی در زندگی، و اهمیت رعایت و اجرای جزئیات دین) (کلاک و استارک، ۱۹۶۵؛ به نقل از آذربایجانی، ۱۳۸۰). در این پژوهش با الهام از پژوهش‌های سراج‌زاده (۱۳۸۳) بُعد منطقی بررسی نشده است. این متغیر در سطح ترتیبی و در قالب ۱۲ گویه، عملیاتی و سنجش شده است.

ارتباطات خانوادگی: نخستین تجربه مشارکت در تصمیم‌گیری‌های خانواده، احساس کوك را درباره صلاحیت سیاسی خویش تقویت می‌کند، مهارت‌های لازم برای تعامل سیاسی را در او به وجود می‌آورد و در سنین بلوغ، فرد را به مشارکت فعال در نظام سیاسی تشویق می‌کند. به همین ترتیب، الگوهای فرمان‌برداری از تصمیمات والدین در آینده، او را به اطاعت از دستورات سیاسی متمایل می‌کند (Davson, 1992:7 in: Almond & Powell, 1992). در این پژوهش، برای بررسی کیفیت ارتباطات خانوادگی، در قالب ۶ گویه (قدرت تصمیم‌گیری در خانواده، اعتراض به تصمیمات خانواده، مشورت با اعضای خانواده درباره مشکلات، درک احساسات از سوی خانواده و مهربانی در محیط خانه) در سطح ترتیبی استفاده شد.

اقتدارگرایی شخصیتی: «شخصیت اقتدارگرا در برابر اشخاص قدرتمند، تسلیم است؛ اما در برابر ضعیفان، سختگیر. منطق در شخصیت‌های اقتدارگرا جایگاهی ندارد. آنچه اهمیت دارد میزان قدرت مخاطب است. شخصیتی که قوی را تکریم و ضعیف را تحقیر می‌کند (کاظمی، ۱۳۷۴). برای عملیاتی کردن

مشارکت در فعالیت‌های مدنی هستند (Verba et al., 1995 in: Tessler and Eleanor, 2009:197-207). این متغیر در ابعاد اهمیت سیاست در زندگی روزمره، پیگیری اخبار و رویدادهای سیاسی، مشارکت در بحث‌های سیاسی، تماشای برنامه‌های تلویزیونی سیاسی، علاقه‌مندی به مطالعه نشریه‌های سیاسی، مشارکت در احزاب و جریان‌های سیاسی در قالب ۵ گویه و در سطح ترتیبی، عملیاتی و سنجش شده است.

دانش سیاسی: آلموند و وربا دانش نسبت به نظام سیاسی، نهادها و مسئولین آنها و ورودها و خروجی‌های این نظام سیاسی را بُعد شناختی فرهنگ سیاسی می‌دانند (سریع‌القلم، ۱۳۸۹:۲۸). این متغیر در قالب ۸ گویه (اطلاع افراد از کارکردها و وظایف قوای نظام، سازمان‌های سیاسی بین‌المللی، انتخابات، وظایف مجلس خبرگان و ...) و در سطح ترتیبی، عملیاتی و سنجش شده است.

پایگاه اجتماعی اقتصادی: پایگاهی است که فرد در میان گروه دارد. به بیان دیگر، موقعیتی که فرد یا خانواده با ارجاع به استانداردهای میانگین رایج درباره ویژگی‌های فرهنگی، درآمد مؤثر، دارایی‌های مادی و مشارکت در فعالیت‌های گروهی - اجتماعی به دست می‌آورد (کوئن، ۱۳۸۶: ۱۹۴). برای عملیاتی کردن این متغیر از مقیاس به‌کاررفته در مطالعه نبوی و همکاران (۱۳۸۷) با تغییراتی جزئی استفاده شد. در این مقیاس از ۶ آیتم برای ارزیابی ذهنی فرد از پایگاه اجتماعی اقتصادی در قالب طیف لیکریت پنج‌گزینه‌ای استفاده شده است که با مقیاس ترتیبی اندازه‌گیری می‌شود. در این پژوهش پایگاه، به غیر از بعد اقتصادی (درآمد و ثروت)، بعد فرهنگی و بعد اجتماعی نیز سنجیده شده‌اند.

جهت‌گیری مذهبی: مذاهب دنیا، حاملان ارزش‌های فرهنگی و اخلاقی هستند که خواه‌ناخواه پیامدهای سیاسی دارند و بر مسائل سیاسی و سیاست‌های عمومی تأثیر می‌گذارند (Almon & Powell, 1992). به نظر گلاک و استارک^۱ در همه ادیان دنیا با وجود تفاوت‌هایی که در جزئیات وجود

^۱ Glok & Stark

در کودکان برداشت‌های عینی‌تری دربارهٔ نهادها و روابط سیاسی ایجاد می‌کند. مدارس، ارزش‌ها و ایستارهای جامعه را نیز منتقل می‌کند. مدارس، مقوم علاقه به نظام سیاسی‌اند و نمادهای مشترکی همچون پرچم و سوگند وفاداری را برای پاسخگویی نمادین به نظام در اختیار فرد قرار می‌دهند (Almond & Powell, 1992). این متغیر در سطح ترتیبی و در قالب ۸ گویه (احساس آزادی در هنگام حرف زدن با معلمان و اساتید، مخالفت با عقاید معلمان و اساتید، اعتراض به رفتارهای تبعیض‌آمیز و ...) عملیاتی و سنجش شده است.

رسانه‌های جمعی: وسایل ارتباط جمعی به مجموعه وسایل غیرشخصی اطلاق می‌شود که انتقال پیام سمعی، بصری و یا هر دو را به سوی مردمی بسیار و در مناطق دوردست موجب می‌شوند (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۴۲۸). به نظر بیرو، رسانه‌های جمعی، مجموع فنون، ابزار و وسایلی را می‌رسانند که از توانایی انتقال پیام‌های ارتباط حسی و یا اندیشه‌ای در یک زمان به شماری بسیار از افراد و مخصوصاً در فواصل زیاد برخوردار باشد (بیرو، ۱۳۶۶: ۲۱۸، به نقل از پناهی، ۱۳۸۶: ۱۱۰). این متغیر در سطح ترتیبی و در قالب ۵ گویه (دنبال کردن موضوعات و رویدادهای سیاسی در روزنامه‌ها، مجله‌ها، تلویزیون، ماهواره، کتاب‌ها و دنیای مجازی) عملیاتی و سنجش شده است.

گروه‌های همتا: گروه همسانان شامل حلقه‌های دوستان، گروه‌های برادری در مدارس، دانشگاه‌ها و گروه‌های کاری کوچک است که اعضای آنها موقعیت اجتماعی نسبتاً برابر و پیوندهای نزدیک با هم دارند. ممکن است فردی به تاسی از دوستان نزدیکش به سیاست علاقه‌مند شود یا از رویدادهای سیاسی پیروی کند. در چنین حالتی، فرد علائق و رفتارهای خود را تعدیل می‌کند تا با علائق و رفتارهای گروه، همخوان شود و از این راه از طرف اعضای آن پذیرفته شود (Davson, 1997: 7 in: Almond & Powell, 1992). این متغیر در سطح ترتیبی و در قالب ۳ گویه (بحث دربارهٔ مسائل سیاسی با دوستان، همراهی دوستان برای حضور در میتینگ‌ها، گردهمایی‌ها و سخنرانی‌های سیاسی و تأثیرپذیری دانش سیاسی از دوستان) عملیاتی و سنجش شده است.

این مقیاس^۱ از آیت‌های این مقیاس برگرفته از مقیاس معروف سنجش این متغیر یعنی مقیاس شخصیت f آدرنو^۲ (1950) و مقیاس اقتدارگرایی آلتیمر^۳ (1998) که با توجه به فضای فرهنگی جامعه ایران گزینش شده‌اند، از ۸ گویه در سطح ترتیبی بهره گرفته شده است.

جامعه‌پذیری سیاسی: به فرایندی اشاره می‌کند که با آن، نگرش‌ها و گرایش‌های سیاسی در جامعه از یک عامل به عامل دیگر منتقل می‌شوند. همچنین روشی است که افراد با آن چیزهایی دربارهٔ سیاست فرا می‌گیرند و نیز سازوکاری است که با آن ارزش‌ها و جهت‌گیری‌های سیاسی در میان نسل‌ها پایدار می‌شود (مرلمن، ۱۹۷۲، به نقل از گلچین و همکاران، ۱۳۸۷: ۲۳۵-۱۸۵). نهادها و عوامل گوناگونی این فرایند انتقال و فراگیری نگرش‌ها و ارزش‌ها را در جامعه به وجود می‌آورند که هر کدام در دوران و زمان خاصی بر افراد انسانی تأثیر می‌گذارند. این فراگردهای جامعه‌پذیر، در نهادهایی همچون خانواده، مدرسه، گروه‌های همتا، رسانه‌های جمعی و ... صورت می‌گیرد.

خانواده: خانواده با قراردادن فرد در دنیای اجتماعی گسترده، برقرار کردن پیوندهای قومی، زبانی و مذهبی و تعیین طبقه اجتماعی، تصریح ارزش‌ها و دستاوردهای فرهنگی و تحصیلی و جهت‌دادن به چشم‌داشت‌های حرفه‌ای و اقتصادی، به ایستارهای سیاسی آینده او شکل می‌بخشد (Davson, 1992: 7 in: Almond & Powell, 1997). برای عملیاتی کردن این مفهوم در سطح سنجش ترتیبی از ۴ گویه (تشویق خانواده برای شرکت در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی، بحث دربارهٔ موضوعات سیاسی در خانواده، همکاری خانواده با احزاب سیاسی و ...) استفاده شده است.

مدرسه و دانشگاه: مدارس، جوانان و نوجوانان را از جهان سیاست و نقشی که در آن دارند، آگاه می‌کند. همچنین

^۱ به کمک پژوهش پورافکاری و همکاران (۱۳۹۱).

^۲ Theodor Adorno

^۳ Altmaier

روش پژوهش

پایایی پژوهش تا حد امکان از گویه‌های پژوهش‌های مشابه، استفاده و دو مرحله پری تست انجام شد و در نهایت از آلفای کرونباخ برای تأیید مناسب بودن پرسشنامه برای اندازه‌گیری متغیرهای پژوهش و پایابودن آن استفاده شد که پایایی بیشتر شاخص‌ها بیش از ۷۰٪ سنجش شد.

در راستای اهداف توصیفی و تبیینی این پژوهش و واحد تحلیل بودن افراد انسانی، از پژوهش پیمایشی استفاده شده است، جامعه آماری پژوهش حاضر، مجموعه دانشجویان شاغل به تحصیل در ترم دو سال تحصیلی ۸۴-۸۳ دانشگاه‌های مهم استان کردستان (آزاد اسلامی واحد سنندج، دانشگاه دولتی کردستان و پیام‌نور واحد سنندج) هستند که براساس آمار رسمی و غیررسمی، تعداد دانشجویان ۲۸۴۴۸ نفر بوده است که در سه مقطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری مشغول به تحصیل‌اند. حجم نمونه براساس فرمول کوکران ۳۸۰ نفر به دست آمد. نحوه نمونه‌گیری به روش سهمیه‌ای بوده است؛ به شکلی، ابتدا دانشجویان را به تفکیک دانشگاه و سپس به تفکیک دانشکده، براساس سهم در ماتریس‌هایی قرار داده شد و در ادامه با تعیین تعداد دانشجویان در هر مقطع به تفکیک زن و مرد، سهمیه متناسب با حجم نمونه به ماتریس‌ها اختصاص داده شد (دانشگاه پیام نور با ۶۲۹۴ دانشجو سهمی برابر با ۸۴ نمونه، دانشگاه کردستان با ۹۳۰۷ دانشجو سهمی برابر با ۱۲۴ نمونه و دانشگاه آزاد اسلامی با ۱۲۸۴۷ دانشجو سهمی برابر با ۱۷۲ نمونه)^۱. در سنجش متغیرها، از پرسش‌نامه‌ای متشکل از گویه‌ها و سوالات در طیف‌ها و مقیاس‌های مختلف استفاده شد.

اعتبار و پایایی ابزار گردآوری داده‌ها

اعتبار: برای سنجش اعتبار پرسشنامه از دو روش اعتبار صوری (اعتبار لازم از نظر کارشناسان)^۲ و اعتبار سازه‌ای (اعتبار مبتنی بر تحلیل عاملی) استفاده شد. مقادیر ویژه بیشتر عامل‌ها بزرگ‌تر از یک بود و بارهای عاملی هریک از این گویه‌ها بیش از ۵۰٪ و نزدیک به یک است. برای افزایش

جدول ۱- ضرایب پایایی مقیاس‌های استفاده‌شده

متغیر	تعداد گویه	پایایی کل شاخص
مشارکت مدنی	۵	۰/۷۷
حمایت از برابری جنسیتی	۶	۰/۷۷
تساهل	۸	۰/۵۵
علاقه به سیاسی	۵	۰/۸۶
اعتماد تعمیم‌یافته	۴	۰/۶۵
دانش سیاسی	۷	۰/۸۶
ارتباطات خانوادگی	۶	۰/۶۱
اقتدارگرایی شخصی	۸	۰/۶۲
جهت‌گیری مذهبی	۱۲	۰/۸۷
پایگاه اقتصادی اجتماعی	۶	۰/۸۲
جامعه‌پذیری سیاسی	۲۰	۰/۸۶

یافته‌های توصیفی

نتایج توصیفی نشان می‌دهند از تعداد ۳۸۱ پرسشنامه توزیع شده در بین دانشجویان ۴۹/۳٪ زن و ۵۰/۷٪ مرد بوده‌اند. میانگین سن دانشجویان مطالعه‌شده ۲۳/۵ سال است. تعداد دانشجویان مطالعه‌شده در مقطع کارشناسی ۷۶/۱٪، دانشجویان کارشناسی ارشد ۲۱/۸٪ و دانشجویان مقطع دکتری ۲/۱٪ بوده‌اند. بیشترین نمونه مطالعه‌شده ۷۸/۲٪ ساکن استان کردستان و ۲۱/۸٪ ساکن سایر استان‌های کشور بوده‌اند. مذهب تسنن با ۸۴٪ بیشترین میزان، تشیع با ۱۵٪ و دیگر مذاهب (سایر) با یک‌درصد. توزیع نوع قومیت دانشجویان؛ قوم کرد ۹۰/۳٪، فارس ۶/۳٪، ترک ۱/۶٪، لک ۱٪ و قوم لر ۰/۸٪ است.

توزیع درصدی و آمارهای گرایش‌های مرکزی متغیرهای مستقل افراد نمونه نشان می‌دهد ارتباطات خانوادگی ۳۷/۵٪

^۱ به علت تعداد کم نمونه در دو دانشکده هنر و معماری و پزشکی در مرحله تحلیل، دانشکده هنر و معماری در دانشکده ادبیات و دانشکده پزشکی دانشگاه آزاد در دانشکده علوم پایه ادغام شدند.

^۲ به شکلی که پرسشنامه در اختیار سه تن از اساتید دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج و فارغ‌التحصیلان رشته جامعه‌شناسی در مقطع ارشد قرار گرفت و در نهایت، نظر اساتید راهنما و مشاور اعمال شد.

خود را در پایگاه پایین ارزیابی کرده‌اند. میانگین به‌دست‌آمده برای این متغیر نیز برابر با ۱۶/۱۰ است که بیشتر از حد متوسط است. همچنین توزیع درصدی و آمارهای گرایش‌های مرکزی متغیر جامعه‌پذیری سیاسی افراد نمونه نشان می‌دهد ۱۷/۳٪ بیشتر در روند جامعه‌پذیری سیاسی قرار داشته‌اند، ۵۸/۸٪ در حد متوسط و در نهایت ۲۳/۴٪ در کمترین حد از روند جامعه‌پذیری سیاسی قرار داشته‌اند. میانگین به‌دست‌آمده برای این متغیر برابر با ۵۴/۲۵٪ است که بیشتر از حد متوسط است.

بالا، ۳۸/۱٪ متوسط و ۲۴/۴٪ پایین بوده‌اند و میانگین آن ۲۱/۰۱٪ بوده که بیشتر از حد متوسط است. به لحاظ اقتدارگرایی شخصیتی، ۸/۷٪ افراد نمونه اقتدارگرایی بالا، ۶۴/۶٪ متوسط و ۲۶/۲٪ از اقتدارگرایی پایینی برخوردار بوده‌اند. میانگین اقتدارگرایی شخصیتی افراد نمونه ۲۰/۵۷٪ است که بیشتر از حد متوسط ارزیابی می‌شود. جهت‌گیری مذهبی ۶۰/۴٪ در حد بالا، ۳۳/۱٪ متوسط و ۶/۶٪ پایین و میانگین آن ۴۳/۶۴٪ بوده که بیشتر از حد متوسط است. نتایج نشان می‌دهند ۲۵/۲٪ از پایگاه اجتماعی اقتصادی بالا برخوردار بوده‌اند، ۵۲/۲٪ خود را در پایگاه متوسط و ۱۷/۶٪

جدول ۲- توزیع فراوانی و درصد متغیرهای مستقل پاسخ‌گویان

ابعاد متغیر	گزینه‌ها	فراوانی	درصد خالص	میانگین	انحراف معیار
ارتباطات خانوادگی	بالا	۱۴۳	۳۷/۵	۲۱/۰۱	۳/۴۴
	متوسط	۱۴۵	۳۸/۱		
	پایین	۹۳	۲۴/۴		
اقتدارگرایی شخصیتی	بالا	۳۳	۸/۷	۲۰/۵۷	۴/۳۷
	متوسط	۲۴۶	۶۴/۶		
	پایین	۱۰۰	۲۶/۲		
جامعه‌پذیری سیاسی	بالا	۶۶	۱۷/۳	۵۴/۲۵	۱۱/۹۶
	متوسط	۲۲۴	۵۸/۸		
	پایین	۸۹	۲۳/۴		
جهت‌گیری مذهبی	بالا	۲۳۰	۶۰/۴	۴۳/۶۴	۹/۰۰
	متوسط	۱۲۶	۳۳/۱		
	پایین	۲۵	۶/۶		
پایگاه اجتماعی اقتصادی	بالا	۹۶	۲۵/۲	۱۶/۱۰	۳/۶۸
	متوسط	۲۱۸	۵۷/۲		
	پایین	۶۷	۱۷/۶		

درگیری عملی در سیاست بالا، ۵۸/۵٪ در حد متوسط و در ۱۲/۹٪ پایین است. میانگین درگیری عملی در سیاست ۵۹/۳۷٪ است که متوسط ارزیابی می‌شود.

شاخص ترکیبی فرهنگ سیاسی در بین افراد نمونه نشان می‌دهد جنبه‌های شناختی و رفتاری فرهنگ سیاسی ۳۴/۶٪ دانشجویان بالا، ۶۲/۷٪ متوسط و تنها ۲/۶٪ آنان پایین است. در مجموع، براساس داده‌ها مشخص می‌شود میانگین جنبه‌های

با نظر به ماهیت پیچیده و چندبُعدی فرهنگ سیاسی، نتایج توصیفی ابعاد متغیر فرهنگ سیاسی در جدول ۳ آمده است: **تکثرگرایی سیاسی:** در ۵۱/۴٪ از جمعیت نمونه، تکثرگرایی سیاسی بالا، ۴۲/۲٪ در حد متوسط و در ۸/۴٪ پایین است. میانگین تکثرگرایی سیاسی معادل ۵۲/۹۱٪ است که زیاد ارزیابی می‌شود.

درگیری عملی در سیاست: ۲۸/۶٪ از جمعیت نمونه

شناختی و رفتاری فرهنگ سیاسی دانشجویان در حد بالایی

(۱۱۴/۳۶) قرار دارد.

جدول ۳- توزیع فراوانی و درصد فرهنگ سیاسی پاسخ‌گویان

ابعاد متغیر	گزینه‌ها	فراوانی	درصد خالص	میانگین	انحراف معیار
تکثرگرایی سیاسی (بعد پلورالیزم)	بالا	۱۹۶	۵۱/۴	۵۲/۹۱	۷/۶۴
	متوسط	۱۵۳	۴۲/۲		
	پایین	۳۲	۸/۴		
درگیری عملی در سیاست (بعد مشغولیت)	بالا	۱۰۹	۲۸/۶	۵۹/۳۷	۱۱/۰۶
	متوسط	۲۲۳	۵۸/۵		
	پایین	۴۹	۱۲/۹		
شاخص ترکیبی فرهنگ سیاسی	بالا	۱۳۲	۳۴/۶	۱۱۴/۲۶	۱۳/۷۶
	متوسط	۲۳۹	۶۲/۷		
	پایین	۱۰	۲/۶		

گونه‌شناسی فرهنگ سیاسی

براساس نتایج جدول ۴، ۳۳/۷۲٪ افراد بررسی شده، به دلیل شدت زیاد تکثرگرایی و درگیری عملی در سیاست، فرهنگ سیاسی دموکراتیک دارند. ۲۷/۷۷٪ پاسخ‌گویان، به لحاظ فرهنگ سیاسی، بی تفاوت هستند که برآیند تکثرگرایی شدید و درگیری عملی ضعیف در سیاست است. ۲۲/۲۲٪ از دانشجویان بررسی شده، فرهنگ سیاسی عمل‌گرا می‌دارند که

نتیجه تکثرگرایی ضعیف و درگیری شدید در سیاست است. ۱۶/۲۷٪ از افراد بررسی شده فرهنگ سیاسی محدود می‌دارند که این مسئله بیان‌کننده تکثرگرایی ضعیف و درگیری نازل عملی در سیاست است؛ بنابراین تقریباً یک سوم (۳۳/۷۲) دانشجویان دانشگاه‌های استان کردستان فرهنگ سیاسی دموکراتیک دارند.

جدول ۴- توزیع افراد نمونه در چهار گونه فرهنگ سیاسی (به درصد)

درگیری عملی در سیاست (بعد مشغولیت)			
قوی	ضعیف		
۳۳/۷۲٪	۲۷/۷۷٪	تکثرگرایی سیاسی (بعد پلورالیزم)	قوی
فرهنگ سیاسی دموکراتیک	فرهنگ سیاسی بی تفاوت		
۲۲/۲۲٪	۱۶/۲۷٪	ضعیف	ضعیف
فرهنگ سیاسی فعال یا عمل‌گرا	فرهنگ سیاسی محدودنگر		

مقایسه ابعاد فرهنگ سیاسی در سه دانشگاه مطالعه شده (پیام نور واحد سنندج، کردستان و آزاد اسلامی واحد سنندج) تفاوت چندانی باهم ندارند و از طرف دیگر، با ابعاد فرهنگ سیاسی کل، تفاوت چشمگیری هم مشاهده نشد؛ به همین

سبب، گونه‌شناسی فرهنگ سیاسی دانشجویان هم در حالت کلی و هم به صورت تفکیک شده برای سه دانشگاه مطالعه شده به ترتیب دموکراتیک، بی تفاوت، فعال و محدودنگر است.

یافته‌های تبیینی

طبق نتایج آزمون پیرسون، وجود رابطه بین جامعه‌پذیری سیاسی و فرهنگ سیاسی تأیید می‌شود. رابطه تأیید شده، مستقیم (مثبت) و در حد متوسط به اندازه ۰/۳۹۴٪ است. وجود رابطه بین اقتدارگرایی شخصیتی و فرهنگ سیاسی تأیید می‌شود. رابطه تأیید شده، رابطه‌ای مستقیم (منفی) و متوسط به اندازه ۰/۳۰۲- است؛ اما وجود رابطه بین پایگاه اقتصادی اجتماعی و فرهنگ سیاسی رد می‌شود. همچنین

وجود رابطه بین جهت‌گیری مذهبی دانشجویان و فرهنگ سیاسی آنها تأیید می‌شود. رابطه تأیید شده، رابطه‌ای معکوس (منفی) و ضعیف به اندازه ۰/۱۱۷- است؛ بدین معنی که با افزایش سطح دینداری، میزان فرهنگ سیاسی نیز به همان نسبت ضعیف کاهش می‌یابد. وجود رابطه بین ارتباطات خانوادگی و فرهنگ سیاسی تأیید می‌شود. رابطه تأیید شده، رابطه‌ای مستقیم (مثبت) و ضعیف به اندازه ۰/۲۳۵ است.

جدول ۵- رابطه بین فرهنگ سیاسی و متغیرهای اجتماعی فرهنگی

متغیر	فرهنگ سیاسی	
	شدت	معنی داری
جامعه‌پذیری سیاسی	۰/۳۹۴	۰/۰۰۰
اقتدارگرایی شخصیتی	-۰/۳۰۲	۰/۰۰۰
پایگاه اقتصادی اجتماعی	۰/۰۶۸	۰/۱۸۷
جهت‌گیری مذهبی	-۰/۱۷۷	۰/۰۲۳
ارتباطات خانوادگی	۰/۲۳۵	۰/۰۰۰

متغیرهای زمینه‌ای پژوهش حاضر، جنسیت، سن، مقطع تحصیلی، دانشگاه، دانشکده، رشته تحصیلی، ترم، محل سکونت، محل اقامت، وضعیت تاهل، مذهب و قومیت دانشجویانند که نتایج حاصل از بررسی رابطه آنها با فرهنگ سیاسی بررسی شد.

توزیع درصدی فرهنگ سیاسی بر حسب جنسیت نشان می‌دهد توزیع فرهنگ سیاسی در میان زنان و مردان تفاوت چندانی ندارند و میانگین دو گروه زن و مرد تفاوت

معنی داری با یکدیگر ندارند و این دو گروه در میانگین فرهنگ سیاسی با هم مشابه‌اند. همچنین با افزایش سن، میزان فرهنگ سیاسی نیز نسبتاً افزایش داشته است. این افزایش در سن ۲۹ تا ۳۸ سالگی نسبت به دو گروه سنی دیگر بیشتر مشاهده می‌شود. نتایج مربوط به ضریب همبستگی کندال تا اوبی نیز نشان می‌دهند همبستگی مثبتی بین سن و فرهنگ سیاسی وجود دارد؛ یعنی هرچه سن بالاتر باشد، میزان فرهنگ سیاسی نیز افزایش می‌یابد.

جدول ۶- رابطه فرهنگ سیاسی با جنسیت و سن دانشجویان

متغیرها	فرهنگ سیاسی	
	مقدار کندال	سطح معناداری
جنسیت	۰/۰۳۹	۰/۴۴۷
سن	۰/۱۲۳	۰/۰۰۱

بررسی نتایج نشان می‌دهد تفاوت میانگین نمره فرهنگ

سیاسی در بین مقاطع تحصیلی (کارشناسی، کارشناسی ارشد

نشان می‌دهد تفاوت میانگین نمره فرهنگ سیاسی در بین دانشجویان با قومیت کرد، ترک، لر، لک، فارس و ... به لحاظ آماری، معنی‌دار است. همچنین با بررسی دو گروه همگن، فرهنگ سیاسی در پنج قوم لک، فارس، کرد و ترک به لحاظ میزان برخورداری از فرهنگ سیاسی تفاوتی با هم دیگر نداشته‌اند؛ اما از طرف دیگر، این اقوام از نظر میزان فرهنگ سیاسی با قوم لر تفاوت دارند. یعنی قوم لر نسبت به دیگر اقوام از فرهنگ سیاسی بیشتری برخوردارند. لازم به توضیح است دو قوم کرد و ترک به علت اینکه در بین هر دو طبقه واریانس یکسانی دارند، در هر دو گروه دسته‌بندی می‌شوند.

و دکتری) به لحاظ آماری معنی‌دار است. مقایسه میانگین‌ها و ترتیب آن‌ها نشان می‌دهد مقطع دکتری، کارشناسی ارشد و مقطع کارشناسی به ترتیب بیشترین نمره فرهنگ سیاسی را دارند. بر این اساس، با بالا رفتن سطح تحصیلات، فرهنگ سیاسی نیز افزایش می‌یابد؛ البته این افزایش در مقطع دکتری بیشتر است. دانشجویان مقیم سایر استان‌ها با نمره (۱۱۷/۹۰) و استان کردستان با نمره (۱۱۳/۲۴) به ترتیب بیشترین میانگین نمره فرهنگ سیاسی را دارند؛ به شکلی که دانشجویان سایر استان‌های کشور نسبت به دانشجویان مقیم استان کردستان از فرهنگ سیاسی بیشتری برخوردارند.

نتایج بررسی رابطه قومیت دانشجویان با فرهنگ سیاسی

جدول ۷- بیان کیفیت تفاوت بین میانگین نمره فرهنگ سیاسی با قومیت

قومیت	تعداد نمونه	گروه همگن اول	گروه همگن دوم
لک	۴	۱۰۵/۷۵	
فارس	۲۴	۱۱۲/۴۶	
کرد	۳۴۴	۱۱۴/۱۷	۱۱۴/۱۷
ترک	۶	۱۲۱/۵۰	۱۲۱/۵۰
لر	۳		۱۳۵/۰۰
سطح معنی‌داری (Sig)		۰/۲۴۶	۰/۰۵۵

همچنین تفاوت میانگین نمره فرهنگ سیاسی در بین دانشگاه‌های استان کردستان (پیام نور، کردستان و آزاد اسلامی)، دانشکده‌های دانشگاه‌ها (علوم انسانی، علوم پایه، فنی مهندسی و کشاورزی)، رشته‌های تحصیلی، ترم‌های تحصیلی، محل سکونت (شهری و روستایی)، وضعیت تأهل (مجرد، متأهل و مطلقه) و مذهب (تسنن، تشیع و سایر) به لحاظ آماری معنی‌دارند.

همچنین تفاوت میانگین نمره فرهنگ سیاسی در بین دانشگاه‌های استان کردستان (پیام نور، کردستان و آزاد اسلامی)، دانشکده‌های دانشگاه‌ها (علوم انسانی، علوم پایه، فنی مهندسی و کشاورزی)، رشته‌های تحصیلی، ترم‌های تحصیلی، محل سکونت (شهری و روستایی)، وضعیت تأهل (مجرد، متأهل و مطلقه) و مذهب (تسنن، تشیع و سایر) به لحاظ آماری معنی‌دارند.

تحلیل رگرسیون چندمتغیره

در نتایج حاصل از رگرسیون چند متغیره، مقدار ضریب همبستگی (R) بین متغیرها با ۰/۵۴۳٪ نشان می‌دهد بین مجموعه متغیرهای مستقل و متغیر وابسته پژوهش، همبستگی نسبتاً قوی وجود دارد؛ اما با توجه به مقدار ضریب تعدیل شده

¹ Adjusted R Square

جدول ۸- تفاوت میانگین‌های فرهنگ سیاسی و متغیرهای زمینه‌ای

سطح معنی داری (Sig)	F	فرهنگ سیاسی		درجه آزادی	تغییرات میان گروهی	متغیرها
		میانگین مجزورات	خطای استاندارد			
۰/۰۰۰	۱۷/۳۲۸	۳۰۲۵/۲۱۳	۰/۱۸۳	۲	۶۰۵۰/۴۲۶	مقطع تحصیلی
۰/۱۴۵	۱/۹۴۰	۳۶۵/۹۹۷	۰/۱۴۶	۲	۷۳۱/۹۹۵	دانشگاه
۰/۰۴۱	۲/۷۷۴	۸۱۸/۵۱۹	۰/۱۸۳	۳	۱۵۵۵/۷۷۴	دانشکده
۰/۲۱۸	۱/۳۴۹	۲۵۳/۸۶۶	۰/۱۸۳	۸	۲۰۳۰/۹۳۱	ترم تحصیلی
۰/۰۷۳	۱/۴۶۲	۲۶۹/۰۰۸	۰/۱۸۳	۲۵	۶۷۲۵/۱۹۳	رشته تحصیلی
۰/۰۸۳	۳/۰۲۴	۵۷۰/۱۸۳	۰/۱۸۳	۱	۵۷۰/۱۸۳	محل سکونت
۰/۰۰۶	۷/۵۷۱	۱۴۱۰/۹۶۰	۰/۱۸۳	۱	۱۴۱۰/۹۶۰	محل اقامت
۰/۹۶۱	۰/۰۳۹	۷/۵۱۴	۰/۱۸۳	۲	۱۵/۰۲۹	وضعیت تأهل
۰/۲۷۷	۱/۲۸۹	۲۴۴/۰۳۰	۰/۱۸۳	۲	۴۸۸/۰۵۹	نوع مذهب
۰/۰۳۳	۲/۶۵۰	۴۹۳/۷۶۲	۰/۱۸۳	۴	۱۹۷۵/۰۴۹	قومیت

متغیرهایی هستند که به صورت غیرمستقیم و به واسطه متغیرهای میانی بر فرهنگ سیاسی تأثیر گذاشته‌اند و متغیر اقتدارگرایی شخصیتی علاوه بر تأثیر مستقیم، به صورت غیرمستقیم و با واسطه متغیر ارتباطات خانوادگی بر فرهنگ سیاسی دانشجویان استان کردستان تأثیر گذاشته است.

جدول ۹- میزان تبیین متغیرها

ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	انحراف استاندارد
۰/۵۴۳	۰/۲۹۵	۰/۲۸۵	۱۱/۶۶۴

همچنین مقایسه متغیرها نشان می‌دهد نخست، تأثیر سه متغیر ارتباطات خانوادگی، اقتدارگرایی شخصیتی و جامعه‌پذیری سیاسی بر متغیر وابسته معنی دار بوده است؛ اما متغیرهای پایگاه اقتصادی اجتماعی و جهت‌گیری مذهبی، به دلیل ۰/۰۵ بالاتر بودن سطح خطای مقدار t آنها، بر متغیر فرهنگ سیاسی تأثیر مستقیم نداشته‌اند.

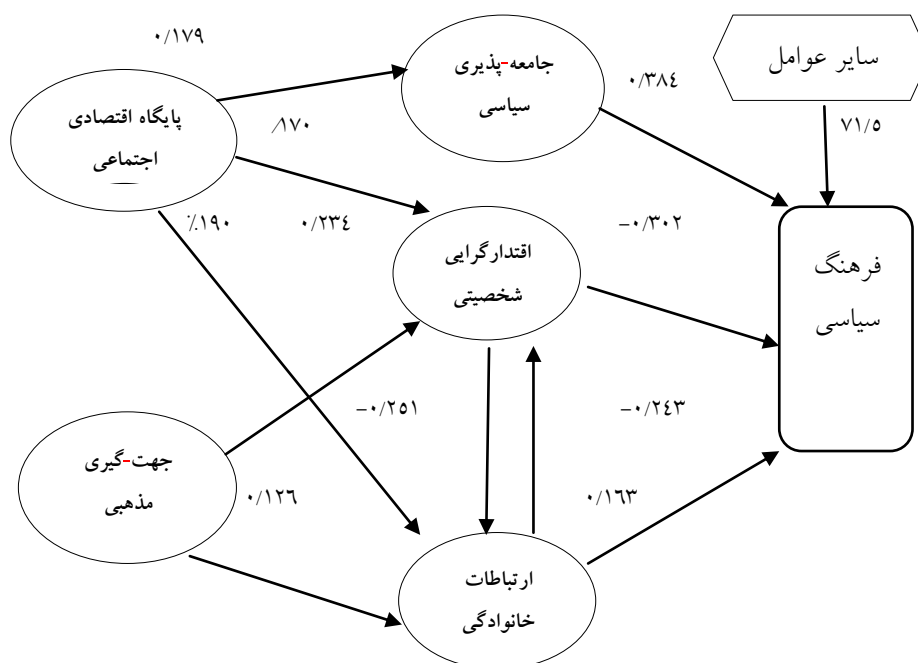
همچنین متغیرهای جامعه‌پذیری سیاسی، اقتدارگرایی شخصیتی و ارتباطات خانوادگی به ترتیب بالاترین تأثیر رگرسیونی را بر متغیر فرهنگ سیاسی داشته‌اند.

تحلیل مسیر

متغیر جامعه‌پذیری سیاسی، متغیری بوده است که توانسته تنها به صورت مستقیم بر فرهنگ سیاسی دانشجویان تأثیر بگذارد. دو متغیر پایگاه اجتماعی اقتصادی و جهت‌گیری مذهبی،

جدول ۱۰- الگوی رگرسیون تأثیر سطح متغیر مستقل بر متغیر وابسته

متغیر	مقدار B	خطای استاندارد	مقدار t	مقدار بتا	سطح معنی داری
ارتباطات خانوادگی	۰/۶۵۳	۰/۱۸۳	۳/۵۷۰	۰/۱۶۳	۰/۰۰۰
اقتدارگرایی شخصیتی	-۰/۹۵۰	۰/۱۴۶	-۶/۴۹۳	-۰/۳۰۲	۰/۰۰۰
جهت‌گیری مذهبی	-۰/۰۴۸	۰/۰۷۰	-۰/۶۹۱	-۰/۰۳۱	۰/۴۹۰
پایگاه اقتصادی اجتماعی	۰/۰۱۳	۰/۱۷۳	۰/۰۷۷	۰/۰۰۳	۰/۹۳۹
جامعه‌پذیری سیاسی	۰/۴۴۴	۰/۰۵۱	۸/۶۴۲	۰/۳۸۴	۰/۰۰۰



نمودار ۲- الگوی تجربی عوامل مؤثر بر فرهنگ سیاسی

بحث و نتیجه

فرهنگ سیاسی مؤلفه‌ای مهم در فرایندهای تغییر سیاسی است که در سال‌های اخیر به آن توجه بسیاری شده است. این مطالعه نیز در همین راستا به بررسی فرهنگ سیاسی پرداخته است. طبق نتایج حاصل شده، وجود رابطه بین جامعه‌پذیری سیاسی و فرهنگ سیاسی تأیید می‌شود. بنا بر نظر آلموند و وربا، افراد وارد فرهنگ سیاسی می‌شوند و سمت‌گیری‌هایشان نسبت به هدف‌های سیاسی شکل می‌گیرد (Almond & Powell, 1992:64). در این فرایندها ارزش‌ها، ایستارها، نهادها، اعتقادات، آداب و رسوم از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود که از طریق خانواده، نظام تعلیم و تربیت، آموزش، مذهب، رسانه‌ای گروهی و حکومت شکل می‌گیرند؛ همچنین به عقیده عالم (۱۳۷۳)، خانواده، مدرسه، گروه‌های هم‌تا، تجربه‌های طی دوره کار، رسانه‌های جمعی و تماس مستقیم با نظام سیاسی، عامل‌های عمده روند جامعه‌پذیری سیاسی به شمار می‌روند. شارع‌پور هم یکی از مهم‌ترین کارکردهای گروه همسالان را انتقال فرهنگ سیاسی جامعه و تقویت آن می‌داند (شارع‌پور، ۱۳۸۳: ۳۳۱). لوسین پای (۱۳۸۱) تأکید می‌کند

رسانه‌های جمعی مناسب‌ترین روش موجود برای جامعه‌پذیری‌اند و عامل قاطع نوسازی به شمار می‌روند. همچنین نتایج مطالعه بیان‌کننده ارتباط ویژگی‌های شخصیتی و فرهنگ سیاسی بوده است. هرچند پژوهش‌های پیشین به صورت مستقیم، رابطه اقتدارگرایی شخصیتی را با فرهنگ سیاسی کنکاش نکرده است، اینگلهارت بر این باور است افراد دارای نوع دموکراتیک فرهنگ سیاسی از ارزش‌های فرامادی برخوردار بوده‌اند، نگرش مثبتی نسبت به برابری جنسیتی داشته‌اند و بر ویژگی‌های استقلال و خودمختاری فردی تأکید کرده‌اند و رویکرد متساهلانه‌ای در برخورد با «غیر» دارند (اینگلهارت و ولزل، ۱۳۸۹: ۱۳۲) که این نظر، تأکیدی بر وجود رابطه بین اقتدارگرایی شخصیتی و فرهنگ سیاسی است.

آلموند و پاول مذهب و نهادهای مذهبی را از متغیرهای تأثیرگذار بر گونه‌گونی فرهنگ سیاسی می‌دانند. آنها معتقدند مذهب، چه به صورت مستقیم و چه غیرمستقیم بر دنیای سیاست تأثیر می‌گذارد (Almond & Powell, 1992:25). همچنین تسلسل نشان می‌دهد جهت‌گیری‌های مذهبی رابطه مستقیمی با جهت‌گیری‌های فرهنگ سیاسی دارند و پیوند تاریخی

بیشتر از آزادی سیاسی حمایت می‌کنند (Tessler and Altinoglu, 1997:22-51)؛ اما برخلاف نظر اینگلهارت و ولزل و نیز تسلر و آلتینگلو که قائل به رابطه معکوس بین این دو متغیر بودند، درباره دانشجویان کردستان، این رابطه به صورت مثبت و مستقیم مشاهده شد. به بیان دیگر، با افزایش سن، فرهنگ سیاسی دانشجویان افزایش یافت؛ البته این افزایش شاید متأثر از بهره‌مندی آنان از تحصیلات عالی و سرمایه فرهنگی کافی بوده است. همچنین با بالا رفتن سطح تحصیلات، فرهنگ سیاسی نیز افزایش می‌یابد؛ البته این افزایش در مقطع دکتری بیشتر است. براساس برخی یافته‌ها افراد تحصیل کرده‌تر گرایش بیشتری به مشارکت در فعالیت‌های سیاسی دارند. در انگلستان طبقه متوسط بیشتر در اعتصاب‌ها، تحریم‌ها و تظاهرات شرکت می‌کنند. طبقه کارگر بیشتر به سیاست بی‌اعتماد هستند و بیشتر به احزاب وابسته به جناح چپ رأی می‌دهند که طرفدار توزیع عادلانه درآمد و ضرورت دخالت دولت در تأمین نیازهای آغازین هستند (Arggyle, 1994:217).

وجود رابطه بین پایگاه اقتصادی اجتماعی و فرهنگ سیاسی رد می‌شود. این یافته با نتایج پژوهش‌های تسلر و آلتینگلو ناسازگار است؛ زیرا آنان در یک پژوهش پیمایشی در ترکیه مشاهده کردند جهت‌گیری‌های سیاسی شهروندان ترکیه متأثر از پایگاه اقتصادی اجتماعی آنان هستند (Tessler and Altinoglu, 1997:22-51). همچنین به نظر پاتنام، اینگلهارت و ولزل افراد دارای منزلت اقتصادی اجتماعی بالا و متوسط، جهت‌گیری‌های فرهنگ سیاسی دموکراتیک‌تر و فعال‌تری دارند (پاتنام، ۱۳۸۰: ۵۸؛ اینگلهارت و ولزل، ۱۳۸۹: ۹۱).

منابع

آذربایجانی، م. (۱۳۸۰) «آزمون جهت‌گیری مذهبی با تکیه بر اسلام»، *مجله روش‌شناسی علوم انسانی*، ش ۲۹، صص ۳۵ - ۶۰.

احمدی، ی. (۱۳۹۰). «رویکردهای قومی و گونه‌شناسی

نیرومندی بین مذهب و سیاست در جهان اسلام وجود دارد که منعکس‌کننده سرشت اسلام به مثابه مذهبی حقوقی است (Tessler, 2002:229-249). تأیید رابطه جهت‌گیری‌های مذهبی با فرهنگ سیاسی دانشجویان هرچند بیان‌کننده نظریه تسلر است، این جهت‌گیری منفی بوده است و با افزایش میزان دینداری در بین افراد نمونه به همان میزان هم از فرهنگ سیاسی دموکرات کاسته می‌شود. این بیان‌کننده این نظریه است که نفوذ مذهب تا اندازه بسیار زیادی بستگی دارد به اینکه چه کسی و چگونه آن را تفسیر کند (Tessler, 2002:229-249).

مطالعات صورت‌گرفته درباره نگرش‌های سیاسی بر نقش خانواده، یکی از مهم‌ترین منابع مؤثر بر شناخت نگرش‌های سیاسی، تأکید دارند. به باور آلموند و وربا، بین دموکراسی در خانواده و رفتار دموکراتیک در امور سیاسی اجتماعی رابطه وجود دارد. آنهایی که فرصت مشارکت در خانواده را به دست آورده‌اند، در مقایسه با دیگران، بیشتر احساس توانمندی و شایستگی سیاسی می‌کنند (شارع‌پور، ۱۳۸۳: ۳۱۷-۳۱۸). در این پژوهش رابطه بین ارتباطات خانوادگی دانشجویان و فرهنگ سیاسی آنان تأیید شده است. از لحاظ نظری، این گزاره نظری همچنان که برای برخی از جوامع غربی از اعتبار تجربی برخوردار است، درباره میدان مورد مطالعه نیز اعتبار دارد. توزیع در صدی فرهنگ سیاسی بر حسب جنسیت نشان می‌دهد این دو گروه در میانگین فرهنگ سیاسی با هم مشابه هستند. این نتیجه با نظریات و پژوهش‌های تسلر و آلتینگلو ناسازگار است. بر مبنای نتایج مطالعه آنها، جهت‌گیری‌های سیاسی شهروندان از جنسیت متأثرند و مردان بیشتر حامی تساهل و کمتر سنت‌گرا هستند و به مسائل سیاسی توجه بیشتری دارند (Tessler and Altinoglu, 1997:23).

بر مبنای پژوهش‌های صورت‌گرفته در جوامع دیگر، نسل جوان بسیار بیشتر از نسل گذشته بر ارزش‌های دموکراتیک تأکید می‌کند (اینگلهارت و ولزل، ۱۳۸۹: ۲۸). تسلر و آلتینگلو نیز نشان داده‌اند هرچه سن افراد افزایش می‌رود، حمایت از نظم اجتماعی، سنت و مذهب بیشتر می‌شود. در مقابل افراد جوان

- علمی.
- زونیس، م. (۱۳۸۷). *روان‌شناسی نخبگان سیاسی ایران*، ترجمه: صالحی، پ. و امین‌زاده سلیمان، ل. ز.، تهران: انتشارات چاپخش.
- ساروخانی، ب. (۱۳۷۰). *درآمدی بر دایره‌المعارف علوم اجتماعی*، تهران: انتشارات کیهان.
- سریع‌القلم، م. (۱۳۸۹). *فرهنگ سیاسی ایران*، تهران: نشر فروزان روز.
- سیونگ یو، د. (۱۳۸۱). *پایداری فرهنگ سیاسی سنتی در برابر توسعه سیاسی در کره و ایران*، تهران: انتشارات خانه سبز.
- شارع‌پور، م. (۱۳۸۳). *جامعه‌شناسی آموزش و پرورش*، تهران: سمت.
- عالم، ع. ا. (۱۳۷۳). *بنیادهای علم سیاست*، تهران: نشر نی.
- عبادیان، م. (۱۳۷۹). «تساهل در فلسفه قدیم و جدید»، نامه مفید، ش ۲۱، ص ۳۰-۴۵.
- علوی‌تبار، ع. ر. (۱۳۷۹). *بررسی الگوی مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها، تجارب جهانی و ایران*، جلد اول، تهران: مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهری.
- عیوضی، م. ر. (۱۳۷۸). *انقلاب اسلامی و زمینه‌ها و ریشه‌های آن*، قم: نشر معارف.
- فاضلی، م. و کلانتری، م. (۱۳۹۱). «ارزش‌های دموکراتیک نسل‌ها»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره ۱۳، ش ۱ و ۲، صص ۸۴-۱۰۸.
- کاظمی، ع. ا. (۱۳۷۴). *بحران نوگرایی و فرهنگ سیاسی در ایران معاصر*، تهران: نشر قدس.
- کردی، ح. (۱۳۹۱). *فرهنگ سیاسی و عوامل اجتماعی آن*، مطالعه موردی استان گلستان، رساله دکتری دانشگاه علامه طباطبائی تهران.
- کوئن، ب. (۱۳۸۶). *مبانی جامعه‌شناسی*، ترجمه و اقتباس: توسلی، غ. ع. و فاضل، ر. تهران: سمت.
- گلابی، ف. و رضایی، ا. (۱۳۹۲). «بررسی تأثیر مشارکت اجتماعی بر مدارای اجتماعی در بین دانشجویان»، فرهنگ سیاسی، مطالعه موردی، شهر سنندج»، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، دوره چهارم، ش ۴، ص ۲۲۹-۲۵۶.
- اعزازی، ش. (۱۳۸۶). *جامعه‌شناسی خانواده*، تهران: نشر روشنگران و مطالعات زنان.
- اینگلهارت، ر. و ولزل، ک. (۱۳۸۹). *نوسازی، تغییر فرهنگی و دموکراسی*، ترجمه: احمدی، ی.، تهران: نشر کویر.
- بیرو، آ. (۱۳۶۶). *فرهنگ علوم اجتماعی*، ترجمه: ساروخانی، ب. تهران: کیهان.
- بهمنی طراز، غ. و دلاوری، ا. (۱۳۹۳). «طبقه متوسط جدید و فرهنگ مردم سالاری در ایران بررسی موردی شهر همدان»، *فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست*، ش ۱۰، صص ۵۳-۷۸.
- پاتنام، ر. (۱۳۸۰). *دموکراسی و سنت‌های مدنی*، ترجمه: دل‌افروز، م. ت.، تهران: نشر غدیر.
- پناهی، م. ح. (۱۳۸۶). *جامعه‌شناسی مشارکت سیاسی زنان*، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.
- پورافکاری، ن. ا.؛ حکیمی‌نیا، ب.؛ حیدری، آ. و فروتن‌کیا، ش. (۱۳۹۱). «تأثیر پایگاه اجتماعی - اقتصادی بر اقتدارگرایی»، *جامعه‌شناسی کاربردی*، سال بیست و سوم، ش ۴، صص ۸۴-۶۷.
- جلایی‌پور، ح. ر. (۱۳۸۱). *جامعه‌شناسی جنبش‌های اجتماعی*، تهران: انتشارات طرح نو.
- جلایی‌پور، ح. ر. (۱۳۸۳). «دموکراسی گفت‌وگویی با اشاره‌ای به ایران»، *مجله انجمن جامعه‌شناسی ایران*، ش ۱۷، صص ۱۶۰-۱۷۱.
- خانیک، ه. و سرشار، ح. (۱۳۹۱). «گونه‌شناسی فرهنگ سیاسی دانشجویان دانشگاه کردستان»، *مجله پژوهش سیاست نظری*، ش ۱۱، صص ۹۱-۱۳۰.
- رزاقی، س. (۱۳۷۵). «مؤلفه‌های فرهنگ سیاسی ما»، *مجله نقد و نظر*، ش ۷ و ۸، صص ۲۰۰-۲۱۳.
- ریتزر، جورج (۱۳۸۸). *نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر*، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: انتشارات

- Democracy Paper Series, Irvine, CA.
- Elazar, D. J. (1966) *American Federalism: A View from the States*. New York: Thomas Y. Crowell Company.
- Huntington, S. P. (1996) *The Clash of Civilizations and the Remaking of the World Order*, New York: Simon & Schuster.
- Inglehart, R. (2000) *Culture and Democracy*, in L.E. Harrison and S.P. Huntington (eds), *Culture Matters, How Values Shape the Human Progress*, New York. Basic Books.
- Lipset, S. M. (1994) "The Social Requisites of Democracy Revisited". *American Sociological Review*, 59(1):1-22.
- Merelman, R. (1972) "The Adolescence of Political Socialization", *Sociology of Education*, 45: 134-160.
- Oxford Dictionary of English. (1998) Oxford University Press.
- Tessler, M. (2011) *What Do Ordinary Citizens in the Arabs World Want: Secular Democracy or Democracy with Islam?* University of Michigan.
- Tessler, M. and Eleanor, G. (2009) *Democracy and the political culture orientations of ordinary citizens: a typology for the Arab world and beyond*: Published by Blackwell Publishing Ltd.
- Tessler, M. and Gao, E. (2009) *Democracy and the political culture orientations of ordinary citizens: a typology for the Arab world and beyond*: Published by Blackwell Publishing Ltd.
- Tessler, M. (2002) "Islam and Democracy in the Middle East: The Impact of Religious Orientations, an Attitudes Toward Democracy in four Arab Countries", *Comparative Politics*, 34:254-337.
- Tessler, M. and Altinoglu, E. (1997) "Political Culture in Turkey: Connections Among Attitudes Toward". *Democracy, the Military and Islam, Democratization*, 11(1):22-51.
- Verba, S. Schlozman, K. L. and Brady, H. (1995) *Voice and Equality. Civic Voluntarism in American Politics*. London: Harvard UP.
- Weingast, B. R. (1997) "The Political Foundations of Democracy and the Rule of Law". *American Political Science Review*, 91(2):245-263.
- Zoellick, T. (2000) "Daniel Elazar, Bogus or Brilliant: A Study of Political Culture Across the American States", *Res Publica - Journal of Undergraduate Research*, Vol. 5 Available at: <http://digitalcommons.iwu.edu/respublica/vol5/iss1/9>.
- Zonis, M. (1971) *The Political Elite of Iran*, Princeton University Press.
- مجله مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، دوره دوم، ش ۱، ص ۶۱ تا ۸۶.
- گلچین، م؛ حق‌خواه، م. و سیدی، ف. (۱۳۸۷). «فرهنگ سیاسی دموکراتیک و عوامل مرتبط با آن»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی (دانشگاه خوارزمی)، ش ۶۱، صص ۱۸۵-۲۳۵.
- گیدنز، آ. (۱۳۸۴). *مسائل محوری در نظریه اجتماعی: کنش، ساختار و تناقض در تحلیل اجتماعی*، ترجمه: رضایی م، تهران: سعادت.
- گیدنز، آ. (۱۳۸۰). *پیامدهای مدرنیته*، ترجمه: ثلاثی، م، تهران: نشر مرکز.
- لرنر، د. (۱۳۸۳). *گذار جامعه سنتی، مدرن شدن خاورمیانه*، ترجمه: خواجه، غ.ر، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- لیپست، س. (۱۳۸۳). *دایره المعارف دموکراسی*، ترجمه: فانی، ک، مرادی، ن.ا، مهاجر، م. و مجیدی، ف، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، چ دوم.
- ونهانن، ت. (۱۳۹۵). *دموکراسی: مطالعه‌ای تطبیقی*، ترجمه: احمدی، ی. و محمدزاده، ح، تهران: انتشارات خردمندان.
- هورکهایمر، م. (۱۳۸۳). *عقل علیه عقل: ملاحظاتی در باب روشنگری*، در ارغنون (ش ۱۵)، ترجمه: ابادری، یوسف و فرهادپور، م، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- Almond, G.A. & Verba, S. (1963) *The Civic Culture. Political Attitudes and Democracy in Five nations* (Princeton University Pres).
- Almond, G. & Powell, B. (1992) *Comparative Politics: A Development. Approach*, Oxford & IBH Publishing Company, New Delhi.
- Arggyle, M. (1994) *Psychology of Interpersonal Behaviour*, New Haven, CT: Yale University Press, Penguin books.
- Diamond, L. (1999) *Developing Democracy Toward Consolidation*, Baltimore and London: The Johns Hopkins University Press.
- Diamond, L. (2003) *How People View Democracy: Findings from Public Opinion Surveys in Four Regions*, Center for the Study of